

کارآفرینی فتوتی^۱

جستاری پدیدارشناسانه در کارآفرینی بومی

کاوه فرهادی* ، محمدرضا میرزائی**

تاریخ دریافت: ۹۵/۱۰/۲۵ تاریخ پذیرش: ۹۶/۰۳/۰۹

چکیده

در این نوشتار تلاش شده تا با نگاهی پدیدارشناسانه به مقوله کارآفرینی پرداخته و زمینه شکل‌گیری کارآفرینی در معنای غربی آن مورد واکاوی قرار گیرد، تا روشن گردد فردگرایی سود محور موجود در نگاه کارآفرینانه غربی تا چه حد تحت تاثیر اندیشه‌های محیطی و فلسفی است که این مفهوم در آن ساخته و پرداخته شده است و لذا با بیان تاثیر بوشیدو بر دانش و تفکر مدیریتی ژاپن امروز به نقش موثر تلفیق دانش روز با مفاهیم سنتی اشاره می‌کنیم به عبارتی دانشی که از یک کشور دیگر وارد ژاپن شده را درونی کرده و با تلفیق مفاهیم سنتی ژاپنی، برساخت^۲ می‌کنند. هدف این نوشتار نیز

۱- این اصطلاح اولین بار در این مقاله استفاده گردیده است برای بررسی فتوت مراجعه شود به فتوت نامه‌ها

info@kavehfarhadi.ir

* عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور (نویسنده مسئول).

mirzaiimohamadreza@yahoo.com

** دانشجوی رشته مدیریت بازرگانی.

بیان تاثیر پذیری کارافرینی از محیط بومی و مبانی فکری سرزمینی است که قرار است در آن به کار گرفته شود از این رو در ادامه به مسئله فتوت و روحیه جمع‌گرایی در فرهنگ ایرانی اسلامی و شیوه استفاده و تلفیق این مفهوم با دانش و مفهوم دیگری به نام کارافرینی پرداخته می‌شود که از آن در اینجا تحت عنوان کارافرینی فتوتی یاد شده است. امید است این مقاله نخستین گام برای تحقق یافتن به کارگیری دانش و فرهنگ بومی ایرانی جهت تولید مدل و الگوهای متناسب با زیست بوم این سرزمین در حوزه کارافرینی باشد.

واژه‌های کلیدی: کارافرینی فتوتی، بومی، جمع‌گرایی، فردگرایی،

فتوت، پوشیدو

مقدمه

این نوشتار در پی آن است به تفاوت‌هایی در واقعیت کار، کارآفرینی، سود و ارزش آفرینی توجه کند چرا که ممکن است معانی این واژه‌ها در جوامع غربی با اصطلاحات معادل آن و بار مفهومی، عاطفی، تاریخی، فلسفی و جامعه‌شناسانه در شرق و از آن جمله در جوامع اسلامی و به ویژه ایران شیعی عدالت طلب و دگر خواه متفاوت باشد. پرسش اساسی این است که آیا کارآفرینی در دو نظام با محوریت اصلی فردگرایی و جامعه و نظام جمع‌گرایی می‌تواند مترادف بوده و متضاد و یا متباین نباشد؟ و اگر چنین تفاوت‌هایی در این پدیده ظاهراً واحد در دو جامعه متفاوت معنی‌دار است تکلیف سرمشق و الگوگیری از چنین مفاهیم و راهکارهایی آیا نیازمند بازنگری است و یا نه؟ به بیان ساده‌تر و به قول ارسطو بهترین روش پژوهش بررسی چیزها در جریان رشد آنها از آغاز است (ارسطو، ۱۳۵۸: ۲) و شاید محیطی که موضوع پژوهش در آن رشد کرده است. امکان دارد برخی بر این باور باشند که مفاهیم در سرزمین‌های مختلف و در فرهنگ‌های متفاوت معنایی یکسان و یکنواخت دارند مثلاً در مورد کار که اتفاقاً

موضوعی اصلی در طرح این مقاله است احتمال دارد برخی اینگونه بیندیشند که مفهوم کار و شرایط و اطراف آن در همه جای جهان یکسان است و فقط یک معنی و مفهوم دارد آیا واقعا چنین است؟

برخی اقتصاد دانان و یا مراجع رسمی، هر عملی را که درآمد زا باشد "کار" تعریف می کنند و در نتیجه بسیاری از فعالیت های غیر تولیدی آدمی را تولید به شمار می آورند "کار به طور اخص در اقتصاد به معنای هر نوع خدمت ارزنده ای است که به وسیله عامل انسانی در تولید ثروت انجام می گیرد." (مجتبوی نائینی، ۱۳۷۲: ۷۲)

باید توجه داشت که مفهوم کار در فرهنگ یونانی و رومی با مفهوم آسیایی و از آن جمله ایرانی آن متفاوت است در ادیان شرقی و از آن جمله در ادیان ایرانی، چه پیش از اسلام و چه در دوران اسلامی کار شدیداً مقدس است و با اخلاق و دین و عرفان آمیخته بوده است در حالی که در یونان و روم مفهوم کار بدنی با نظام برده داری، اجبار و ستم عجین بوده و غالباً عملی مادون انسانی به شمار می رفته است. تعریف ارسطو از "برده" به عنوان ابزار جان دار (ارسطو، ۱۳۵۸: ۸) و این نقل از "پوپر" که «ارسطو و افلاطون اتفاق نظر دارند که طبقات کارگر نباید حکومت کنند و طبقات حاکم نباید کار کنند و حتی به پول درآوردن بپردازند (هر چند فرض بر این است که طبقات اخیر از پول فراوان بهره مندند) اعضای طبقه حاکم صاحب زمینند اما نباید خود روی زمین ها کار کنند تنها چیزی که شایسته حاکمان فئودال شمرده می شود شکار و جنگ و سرگرمی های مانند آن است.» (پوپر، ۱۹۴۵: ۶۴۶)

در نظر ارسطو هرگونه اشتغال حرفه ای یا تخصص به معنای طرد شدن از سلک اعضای کاست است او مصرانه بر این عقیده استوار است که یک آقازاده فئودال (البته برده دار) هرگز نباید به هیچ پیشه یا صنعت یا علمی بیش از حد توجه کند (همان: ۶۴۷) این جملات بازتاب خوبی از چنین اندیشه و نظامی است. حتی حضرت مسیح (ع) با آن عظمت و مهربانی و انسان دوستی خود نتوانست ریشه های برده داری را در غرب از میان بردارد و این نظام نتوانست همراه با جریان استعمار در غرب و به ویژه با

کشف آمریکا و نضج نظام مرکانتلیستی بازتولید شود. پس بیهوده نیست که در غرب کار به عنوان تنبیه برای زندانیان مد نظر بوده است. کار در اروپای بعد از رنسانس نیز، جنبه اجباری داشته است و به همین دلیل شارل فوریه در آرزوی کار دسته جمعی با "تعادلی روح بخش" بوده است (شارل ژید و شارل ریست، ۱۳۷) این در حالی است که در فرهنگ سنتی ایران، "کار" هم به دلایل دینی، مذهبی، مسلکی (طریقتی) و تفکرات صنفی و هم به دلایل ماهیت و خصلت اجرایی (دسته جمعی و تعاونی) آن، معنا دار و روح بخش بوده است. (فرهادی، ۱۳۸۸) که در بخش‌های بعد به این موضوع پرداخته خواهد شد. اما آنچه اینجا بسیار عجیب مینماید و در ذهن ایجاد سوال می‌کند این است که فرهنگی که اینگونه نگاه منفی نسبت به کار دارد چگونه می‌شود که مکتبی به نام کارآفرینی را پایه‌گذاری نماید که به نظر بنیان‌ش باید در ایجاد کار باشد؟ (در بخش واژه‌شناسی توضیح داده خواهد شد)

در ادامه از آنجا که ممکن است برخی گمان کنند آنچه درباره فلاسفه یونان باستان گفته شد مربوط به گذشته است و امروز دیگر چنین برداشتی وجود ندارد ناگزیر هستیم که کمی به بستری بپردازیم که ارزش‌آفرینی (کارآفرینی) در آن شکل گرفته است.

پس از ارائه همه این اطلاعات به بخشی مهم میرسیم که غفلت از آن سبب می‌شود که همه آنچه گفته شد در حد اطلاعاتی کلی باقی بماند بی آنکه حاصلی داشته باشد شاید اعتقاد عده‌ای بر این باشد که با شکست الگوهای سوسیالیستی توسعه و فروپاشی شوروی راهی به جز الگوپذیری از غرب نیست و هر چند مسیر توسعه غربی دارای ضعف است اما تنها راه رسیدن به توسعه میباشد. ما در پاسخ به این بخش البته باز به صورت مختصر بخشی را با عنوان «ژاپن نمونه متفاوت» قرار دادیم تا نمونه عملی باشد از مسیر متفاوت توسعه با تکیه بر سنت‌ها و شرایط بومی داخلی و بازتولید مفاهیم سنتی برای شرایط و امکانات امروز (اینجا و اکنون). ژاپن بی آنکه مقلد غرب یا شرق باشد مسیر خویش را با بازتولید مفاهیم سنتی ژاپنی پیموده است که ما از میان

کثیر این مفاهیم بازتولید شده در ژاپن «بوشیدو» را برگزیدیم چرا که معتقدیم قرابت زیادی با مفهومی چون «فتوت» دارد تا خاطر نشان سازیم که غرض ما در این کار یک سنت گرایی جاهلانه نیست بلکه یک نسخه عملی آزمون شده است برای بازتولید مفاهیمی که ریشه در بوم زیست این سرزمین دارند.

و در پایان بخش «فتوت» قرار دارد که در این بخش به طرح مقصود خود از این واژه کمتر دیده شده در تاریخ و فرهنگ ایرانیان پرداخته و سپس هم خوانی این مفهوم را با سایر مفاهیم و ویژگی‌های رایج گذشته مان مانند دگریاری و همیاری و به صورت کلی جمع گرایی بررسی کرده‌ایم و نمونه‌ای از کارآفرینی فتوتی را بیان داشته‌ایم تا آنچه در ذهن داریم به صورت مصداقی بیان شده باشد.

تحلیل داده

واژه شناسی کارآفرینی در فرهنگ اروپایی آمریکایی

تعریف واژه entrepreneur: واژه کارآفرینی از کلمه فرانسوی entrepreneur به معنای متعهد شدن نشات گرفته است واژه نامه دانشگاهی وبستر واژه کارآفرینی را اینگونه تعریف نموده است: کارآفرین کسی است که متعهد می‌شود مخاطره‌های یک سازمان اقتصادی را سازماندهی اداره و تقبل کند. (احمدی، ۱۳۹۱: ۲).

لغت نامه کنسیس^۱ آکسفورد آنتروپرونور (entrepreneur) را چنین معنا کرده است «کسی که بازرگانی یا بازرگانی‌هایی را تشکیل می‌دهد و به امید رسیدن به سود خطرهای مالی می‌کند.» لغت نامه حییم در معنای این کلمه آورده است «موسس یا مدیر مجلس ساز، مقاطعه کار» واژه نامه آکسفورد^۲ این واژه را چنین معنا می‌کند کسی که با راه انداختن بازرگانی پول در می‌آورد به خصوص اگر اقدام او مستلزم پذیرش

1. concise
2. oxford advanced learner s

ریسک‌های مالی باشد» واژه نامه آکسفورد آمریکا جدید^۱ در توضیح این واژه مینویسد «کسی که بازرگانی‌هایی را اداره می‌کند و سازمان می‌دهد و بیش از حد معمول خطرهای مالی می‌کند» به طور کلی آنچه این لغت نامه‌ها می‌گویند این است که آنتروپرونور کسی است که برای سود بیشتر خطر مالی می‌کند برای فهم بهتر ماجرا مثالی می‌زنیم آنتروپرونوری که صنعتی را اداره می‌کند که بر فرض صد نفر در آن کار می‌کنند اگر حدس بزنند چنانچه بیزنس خود را تغییر دهد یا کلاً منحل کند و بیزنس جدید با ۱۰ نفر تشکیل دهد سود بیشتری حاصل خواهد شد تردیدی در اخراج آن ۹۰ نفر به خود راه نخواهد داد. آنتروپرونور کار نمی‌آفریند برای کسب سود خطر می‌کند. (اباذری، ۱۳۹۲)

مفهوم کارآفرینی در زبان فارسی:

اما حال ببینیم ترجمان این واژه در زبان فارسی تا چه حد بیانگر ویژگی‌های فوق‌الذکر می‌باشد برای آنکه به تعریف صحیحی از واژه کارآفرینی در زبان فارسی دست یابیم نیاز است ابتدا این کلمه مرکب را به صورت تفکیک شده مورد بررسی قرار داده معانی و مفاهیم مختلفشان بصورت منفرد مورد بررسی قرار می‌دهیم.

همانگونه که مشخص است کارآفرینی خلق شده از دو واژه کار و آفرینش است.

کار:

در لغت نامه دهخدا در تعریف کار آمده است "آنچه از شخص یا چیزی صادر گردد و آنچه شخص خود را بدان مشغول سازد و مترادف است با فعل و عمل و کردار. آنچه کرده و بجا آورده شود. (لغت نامه دهخدا، حرف ک: ۱۰۷).
اما از نظر مفهومی کار (حرکت) جوهر طبیعت در سطوح گوناگون هستی است چرا که دگرگشت (فرگشت) و فراگشت را فراهم می‌آورد.

1. new oxford American dictionary

کارآفرینی فتوتی؛ جستاری پدیدارشناسانه در ... ۱۲۳

حرکت چنین است و از منظر ما حرکت در معنای عام آن همان کار هستی است و همین کار و کشاکش است که امکان تغییر را فراهم می‌سازد (فرهادی، ۱۳۹۰).

در تفکر ادیان ایرانی چه در پیش از اسلام و چه در آیین مقدس اسلامی همه هستی در کارند.

«کار یک مفهوم فلسفی دارد که بسیار وسیع است و وسیع‌ترین مفهوم این لفظ به‌شمار می‌رود، یعنی هم در مورد خداوند متعال صدق می‌کند، هم درباره انسان‌ها و هم حتی درباره موجودات طبیعی... خدا کار می‌کند "ان الله یفعل ما یرید" (یزدی، ۱۳۷۲).

این اندیشه یعنی معنای کار به معنای عام آن در آثار شعرای بزرگ ایرانی نیز بازتاب یافته است، از دیدگاه اهل اندیشه در ایران «ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند».

جالب آنکه این شیوه اندیشه مختص فلاسفه و متافیزیسی‌ها و شعرای شرقی نیست، همان گونه که اشاره شد در میان برخی فلاسفه غرب و گاه در میان دانشمندان غربی و از آن جمله در اندیشه "آدام اسمیت" پدر علم اقتصاد جهان نیز دیده می‌شود.

«آدام اسمیت کار را به طبیعت و انسان هر دو نسبت می‌دهد و می‌گوید «طبیعت همراه انسان زحمت می‌کشد». (مجتبوی، ۱۳۷۲: ۲۶۸). یک اقتصاددان اسکاتلندی معتقد است: «هر گونه کوشش یا همکاری که به وسیله انسان، حیوانات پست‌تر، ماشین و یا عوامل طبیعی به عمل آید که منظور آن تحصیل هر نوع نتایج مطلوب باشد، کار نامیده می‌شود.» (مجتبوی، ۱۳۷۲: ۲۶۹).

آفرینش:

اسم مصدر و عمل آفریدن، خلق، انشاء، ابداع، خلقت، فطرت. (لغت نامه دهخدا،

۱. (۱۳۴)

از منظر مفهومی ما آفرینش را در ادراکمان از هستی با ایزد منان میشناسیم و آفریننده را کسی میدانیم که چیزی را به وجود می‌آورد در حالی که پیش از آن نبوده است.

پس از تلفیق این دو واژه این مفهوم به دست می‌آید که کارآفرین شخصی است که کاری را از نو می‌آفریند (چه آن را کشف و چه خلق نماید)

مشخص است که در تعاریف فوق هیچ چیز مبنی بر سود و سودگرایی یا ارزش آفرینی که معادل دقیق تر واژه انگلیسی می‌باشد دیده نمی‌شود و آنچه به ذهن خطور می‌کند نیز این است که آنچه صفتی مشترک میان انسان و پروردگار است نمی‌تواند حامل مفاهیمی چون خطر کردن برای رسیدن به سود بیشتر باشد به عبارت دیگر اینگونه به نظر می‌رسد که در ترجمه واژه **entrepreneur** نوعی "نماد آفرینی اجتماعی" صورت گرفته است.

نماد آفرینی اجتماعی یعنی از واژه نمادی برای بیان متنوع ترین جنبه‌های زندگی اجتماعی استفاده می‌شود. در این معنا فعالیت جانشینی که در نبود نتایج پیش بینی شده یا موعود، رضایت جبرانی عرضه می‌کند نمادی نامیده می‌شود امر نمادی می‌تواند جایش را به دروغ و فریبکاری بدهد وقتی با غفلت از شرط اگر، آن را تضمین شده می‌پنداریم، نماد ما را گمراه می‌کند. وقتی با قصد قبلی، ابهام میان امر خیالی و واقعی به کمک خطابه‌ها، روایت‌ها یا افسانه‌ها حفظ می‌شود و امور کاملاً فرضی چنان شرح داده می‌شوند که گویی آنجا حضور داشته‌ای و وقتی اعمال و یا مناسک ما را مجبور می‌کنند چنان رفتار کنیم که گویا وضعیت موعود واقعی است، نماد جایش را به دروغ و فریبکاری می‌دهد. (ریمون بودون، فرانسوا بریکو: ۷۱۲).

به عبارتی ساده تر شاید غفلت به عمل آمده در این ترجمه چه سهواً و چه عمداً

موجب شده است که entrepreneur پیش از ورودش و تعریف خودش با یک نگاه کاملاً مثبت در جامعه و اقشار مختلف مردم روبرو شود و زحمت زیادی در اثبات خودش نداشته باشد و بنا بر آنچه در بالا گفته شد شاید نوعی نماد سازی اجتماعی صورت گرفته باشد.

مشخص است که در همین ابتدا با مشکلی جدی مواجه گشتیم و از آنجا که تا به امروز در مکتوبات مختلف از آن با عنوان کارآفرینی یاد و بررسی میشد، هیچ بنیانی در اندیشه ی خالقان غربی اش نداشت و آنچه آنها به دنبال آن میگشتند چیزی شبیه ارزش آفرینی بود که دیدگاهی سود محور دارد، نه خالقانه و خیر خواهانه و این خود مشکلی بسیار جدی است زیرا همانگونه که بیان شد کارآفرینی در ادبیات ما حامل وزنی مثبت و خیر خواهانه است و برطرف کردن این غلط مصطلح در اذهان عموم و حتی دانشگاهیان خود کاری عظیم می‌طلبد^۱ که در وسع این مقاله نیست و ما نیز توان چنین کار عظیمی را نداریم لذا ما خود را ناگزیر از ساخت وازه‌ای جدید (کارآفرینی فتوتی) یافتیم که بتواند حامل هدفی باشد که ما آن را در این مقاله پیگیری می‌کنیم حال آنکه اگر این خطا رخ نداده بود شاید خود واژه کارآفرینی می‌توانست بیانگر همه ویژگی‌هایی باشد که ما در پی آن هستیم چرا که این واژه در خود مفاهیمی چون روحیه جوانمردی و جمع‌گرایی و خیر خواهی را دارا می‌باشد. حال در پایان این بخش برای آشنایی بیشتر با جریان ارزش آفرینی در غرب و از بین رفتن ابهامات احتمالی حول تعریف واژه entrepreneur نیاز است تا تعاریف گوناگونی که از کارآفرینی مرسوم گشته و فرآیند بیان شده برای آن را بررسی نماییم.

تعاریفات از کارآفرینی:

"رابرت هیستریج" کارآفرینی را اینگونه تعریف می‌کند: "کارآفرین فردی است

۱- گلستان سعدی: «خانه از پای بست ویران است / خواجه در بند نقش ایوان است»

که تصمیم می‌گیرد از طریق ایجاد کسب و کاری منحصر به فرد توسط خود بر آینده کاری اش تسلط داشته باشد."

کارآفرینی فرآیند خلق چیزی متفاوت و با ارزش از طریق اختصاص زمان و تلاش لازم برای آن است با فرض همراه بودن ریسک‌های مالی روانی و اجتماعی و نیز دریافت پاداش‌های مالی و رضایت فردی.

"بیرلی" بیان می‌دارد که کارآفرینی حول مبحث تولید ثروت و مالکیت است و دستیابی به آن مسیرهای مختلفی همچون کسب نمایندگی راه اندازی کسب و کار مخاطره آمیز تملک مدیریت شرکت و کسب و کار ارثیه‌ای وجود دارد. (ص: ۲۷)

"شومپتر" می‌گوید کارآفرین فردی است که ترکیبات جدیدی را در تولید ایجاد می‌کند و کارآفرینی عبارت است از عرضه کالایی جدید، روشی جدید در فرآیند تولید، ایجاد بازاری جدید، یافتن منابع جدید، و ایجاد هرگونه تشکیلات جدید در کسب و کار (احمدپور، ۸۷).

فرآیند کارآفرینی:

- ۱- کارآفرین: فردی است که به صورت آگاهانه تصمیم می‌گیرد تا کسب و کار مخاطره آمیز جدیدی را آغاز کند. این عنصر، کلیدی ترین جز فرآیند کارآفرینی است
- ۲- فرصت: فرصت‌های زیادی در جامعه برای کسب و کار وجود دارد ولی کارآفرین با تجزیه و تحلیل و شناسایی موقعیت بازار، فرصت‌هایی را که از ظرفیت‌های بالایی برخوردارند، برای شروع کسب و کار خود برمی‌انگیزند.
- ۳- ساختار: کارآفرین برای انجام کسب و کار خود باید مشخص سازد که در قالب چه نوع ساختاری (به صورت فردی یا مشارکتی) می‌خواهد فعالیت خود را آغاز کند.
- ۴- منابع: منابع مالی و انسانی شناسایی و حمایت سرمایه گذاران جلب می‌شود.
- ۵- استراتژی و برنامه‌های کسب و کار: اهداف کلی، استراتژی‌ها و برنامه‌های تفصیلی کسب و کار تعیین می‌شوند (پور داریانی، ۱۳۹۳: ۱۶۳-۱۶۴).

عصر رقابت و خاستگاه کارآفرینی:

به طور خلاصه میتوان گفت خاستگاه entrepreneur با معانی یاد شده، جامعه فردگرایی غربی است، جامعه‌ای که در آن سبقت جویی، رقابت، ستیزه و جنگ اصل و همکاری فرع قضایا محسوب می‌شده است. خاستگاهی در جامعه «گزل شافت»^۱ که به قول "آدام اسمیت" «هر انسان... تا حدودی به یک تاجر تبدیل می‌شود» (آبراهامز جی اچ، ۱۳۶۹: ۳۴۵) در گزل شافتی که به قول "فردیناند تونیس":

«انسان‌ها به رغم تمام عوامل متحد کننده، اساسا جدا از یکدیگر هستند... هر شخصی برای چیزی تلاش می‌کند که سود خودش را در برداشته باشد، و بر اعمال دیگران تنها تا جایی و تا وقتی صحنه میگذارد، که آن اعمال منافع او را تایید و تقویت کنند. بنابراین، پیش از قرارداد و خارج از قرارداد، و همچنین قبل از هر قول و قرار خاص و خارج از حیطه شمول آن، می‌توان رابطه همه را با یکدیگر، نوعی دشمنی بالقوه یا جنگ نهفته به تصور درآورد. در برابر این شرایط، کلیه ترتیبات مربوط به خواست‌ها و اراده‌ها حکم انواع گوناگون عهدنامه‌ها و پیمان‌های صلح را دارد... خریدار و فروشنده در سنخ‌های بیشمار خود با یکدیگر به صورتی رابطه دارند که هر یک از آن‌ها با ثروت اندکی که داشته باشد، مایل است و می‌کوشد که تا جایی که ممکن است مقدار بیشتری از ثروت دیگران را به چنگ آورد. مردمی که به معنای واقعی کلام تاجر و اهل کسب و کارند. بایکدیگر در میدان‌های بیشمار، مانند دوندگانی که رشته تخصصی آنها دویدهای کوتاه و سریع است، مسابقه می‌گذارند... در اینجا هرکس برای خودش زندگی می‌کند، حسابی جدا از دیگران دارد و شرایطی در کار است که از وجود کشمکش بین او و همه آن‌های دیگر حکایت می‌کند... عرصه‌های فعالیت و قدرت افراد به طرز فاحشی تفکیک شده است. به طوری که هر کس از

۱- گزل شافت شکل بروکراتیک تر و غیرشخصی تر سازماندهی و کنترل اجتماعی ناشی از قرارداد [اجتماعی] به پشتیبانی دولت است (کازنو، ۱۳۶۴: ۲۰).

تماس هر کس دیگر با عرصه خاص خودش جلوگیری و از پذیرفتن دیگران در این عرصه خودداری می‌نماید. به عبارت دیگر نقض حریم عرصه، از ناحیه دیگران به چشم اعمال خصمانه نگریسته می‌شود. یک چنین رفتار منفی در قبال یکدیگر به صورت رابطه عادی و دائماً موثر این افراد... در می‌آید... نه کسی حاضر است چیزی را برای خاطر فرد دیگر عطا و یا تولید کند، و نه رغبت دارد بدون اکراه، چیزی به دیگری بدهد... تنها به خاطر ما به ازایی بهتر است، که می‌تواند انگیزه‌ای برای عطا کردن در او به وجود آید (همان، ۳۴۶).

در اقتصاد سرمایه داری فرد و نیازهای او بالاترین و موثرترین نقش را در تعیین سیاست‌ها و روش‌های اقتصادی ایفا می‌کند و حس منفعت جویی در جهت برآوردن نیازها و منافع مادی و شخصی، یگانه محرک این اقتصاد به شمار می‌آید. به گونه‌ای که انگیزه‌های دیگر، به ویژه انگیزه‌های دگربارانه و خیر خواهانه، مبهم و غیر واقعی تلقی می‌شود.

پس از محوریت یافتن فرد و انگیزه‌های فردی در اقتصاد سرمایه داری، چگونگی قوام جامعه و ارتباط افراد آن که هر یک همه همت خود را مصروف امور فردی می‌کند و همگان فقط به دنبال سودهای شخصی هستند، مورد سوال برخی از اندیشمندان غرب قرار گرفت و در این رابطه، دغدغه‌های زیادی را به وجود آورد تا این که "استوارت میل" به گونه‌ای سوال برانگیز، چگونگی تبادل و ارتباط افراد را در عرصه فعالیت‌های اقتصادی در قالب اصطلاحاتی همچون "تنازع" و بقای "اصلح" بیان کرد. او معتقد است:

«این اصل فردگرایی بر اصل تضاد منافع پی ریزی شده است، نه بر هماهنگی منافع، و در تحت آن، هر کس نیاز دارد تا جایگاهش را به وسیله نزاع و جنگ پیدا کند. به این ترتیب که یا دیگران را عقب زند یا توسط دیگران به عقب رانده شود» (جوادی آملی، ۱۳۸۱: ۲۲۴-۲۲۵).

از سوی دیگر در اقتصاد سرمایه داری هرگونه اعمال نظر از سوی دولت یا هر

جایگاه دیگر، در نوع معاملات، تعیین قیمت‌ها و فعالیت‌های اقتصادی افراد و شرکت‌ها تقریباً مردود است و خط و مشی آنها بر اساس بازار آزاد و رقابت بی قید و شرط تعیین می‌شود. از این رو، به سبب نبود متولی مشخص، رعایت موازنه نسبی و توزیع متعادل سرمایه‌ها نیز امری ناممکن است. (جوادی آملی، ۱۳۸۱: ۲۲۵)

" کارل پولانی " میگوید اقتصاد بر خلاف آنچه نظریه اقتصادی حکم می‌کند، نه مستقل بلکه تابع سیاست و مذهب و مناسبات اجتماعی است. پولانی در این باره از اصطلاح نظام بازار خودتنظیم گر استفاده می‌کند. استفاده پولانی از این اصطلاح بر چیزی دلالت دارد بیش از این ایده اکنون شناخته شده که معاملات بازاری به اعتماد و درک متقابل و تنفیذ حقوقی قرارداد بستگی دارد. نظام بازار خودتنظیم گر به جای الگوی از لحاظ اقتصادی معمول تابعیت اقتصاد از جامعه در گرو تابعیت جامعه از منطق بازار است وی مینویسد: «دست آخر به همین دلیل است که کنترل نظام اقتصادی توسط بازار پیامد چشمگیری برای کلیت سازماندهی جامعه دارد، این دقیقاً یعنی اداره جامعه همچون ملحقه نظام بازار. به جای این که نظام اقتصادی در مناسبات اجتماعی حک شود، مناسبات اجتماعی در نظام اقتصادی حک می‌شود.» (پولانی، ۱۹۴۰: ۲۰-۲۱).

نظام بازار متضمن نظامی خود تنظیم گر از بازارهاست. به زبانی قدری فنی تر، اقتصادی است که فقط و فقط با قیمت‌های بازار هدایت می‌شود. چنین نظامی را که می‌تواند کل حیات اقتصادی را بدون کمک یا مداخله بیرونی سازماندهی کند یقیناً به شایستگی می‌توان خودتنظیم گر خواند. این سرنخ‌های سردستی باید کفایت کند تا سرشت کاملاً بی سابقه چنین کار مخاطره آمیزی در تاریخ بشر را نشان دهد.

بنابر استدلال پولانی ایجاد بازار کاملاً خودتنظیم گر در گرو این است که انسان‌ها و محیط زیست طبیعی به کالاهای ناب تبدیل شوند، چیزی که هم نابودی جامعه را تنظیم می‌کند و هم نابودی محیط زیست طبیعی را. از نگاه او، نظریه پردازان بازارهای خود تنظیم گر و متحدانشان همواره جوامع انسانی را به سوی لبه پرتگاه هل می‌دهند. (پولانی: ۲۲).

بدیهی است نظریه پردازان اقتصاد سرمایه داری پیشرفت‌های اقتصادی غرب را حاصل سیاست‌های فردگرایانه خود دانسته، تاکید کنند که انسان وقتی می‌تواند به سوی پیشرفت حرکت کند که تنها به فکر خود و کسب منفعت خویش باشد. فقط در این هنگام است که او تلاش واقعی می‌کند و پله‌های موفقیت را در زمینه نیل به پیشرفت‌های اقتصادی و رفاه محض طی می‌کند. در حالی که اگر انگیزه‌های دیگر - همانند انگیزه‌های دینی - برای او در نظر گرفته شود یا بداند که منافع او در بین دیگران تقسیم می‌شود، هیچ گاه به گونه‌ای شایسته مشغول کار و تلاش نخواهد شد.

غرض آنکه اقتصاد سرمایه داری بر اساس فردگرایی و برآوردن نیازهای مادی و شخصی فرد بنا شده است و نیز در اقتصاد مذکور، به جهت آنکه اعمال نظر در چگونگی توزیع سرمایه‌ها صورت نمی‌گیرد و خط و مشی غالب اقتصاد، بر اساس رقابت بی قید و شرط و بازار آزاد تنظیم می‌شود، پدیده انباشت ثروت در آن امری جدا ناپذیر است و دست کم، امری نامطلوب در نظر گرفته نمی‌شود (جوادی آملی، ۲۲۶). و به نظر این خود اثری عمیق بر سود محوری در کارافرینی غربی گذاشته است. در حالی که در جوامع ابتدایی بخشیدن، شرافتمندانه تر از پذیرش بخشش و دادن، سزاوارتر از ستاندن است. "لوی اشتراوس" به درستی می‌نویسد:

«... وقتی در عصر جدید انسان داد و ستد خود را بر اساس منفعت طلبی قرار داد، آن اصل اجتماعی واقعا ارزنده را که جزء لاینفک وظیفه فرد بدوی در تقسیم و معاوضه خوراک بود، از دست داد. همان اصلی که می‌گوید: «بخشیدن خجسته‌تر است تا پذیرفتن». (هیس ه.آر، ۱۳۴۰: ۳۴۶).

لذا تفاوت بسیار است بین جوامع صنعتی امروز و جامعه‌ای که شکارچی اش بیش از آن که برای خود و خانواده‌اش شکار کند، برای قبیله شکار می‌کند. و این جامعه حتی بسیار متفاوت است از یک جامعه سنتی کشاورزی، مانند: جامعه دیروز ایران، که کشاورزش در هنگام خرمن و قبل و بعد از آن ثابت میکرد که به شعاری که در شروع بذرافشانی بر زبانش جاری می‌شود، ایمان دارد.

کشاورزان ایرانی در بسیاری از نقاط ایران، اولین مشتم بذر را به نیت پرندگان و مشتم بعدی را به نیت چرندگان و مشتم سوم را به نیت باشندگان و آخرین مشتم را به نیت زن و فرزند بر خاک می افشانند (فرهادی، ۱۳۸۸: ۲۵۰).

پس به نظر می رسد که فرد گرایی و سود طلبی ریشه در فطرت آدمیان ندارد بلکه ریشه در نگاه جامعه و فرهنگ غرب به انسان یا بهتر بگوییم انسان اقتصادی دارد. به بیانی دیگر تنها غرب و شیوه های نظام سوداگری است که همه چیز را اقتصادی و منفعت طلبانه می خواهد و تلاش دارد این نگاه را به تمام کشورهای فرهنگ های دیگر جهان تحمیل کند و با نگاهی تک خطی بگوید این تنها گذرگاه توسعه می باشد حال آنکه ما در جهان شاهد کشورهایی هستیم که با دوری جستن از این رفتارهای منفعت طلبانه و سود محور غربی و با تکیه بر رفتارهای دگر خواهانه و جمع گرای بومی توانسته اند به توسعه دست یابند. به قول "اینزو نیتوبه":

هر ملتی به گونه ای خاص و با نظام ارزشی ویژه خود می اندیشد و به همان گونه که می اندیشد زندگی می کند. شیوه فکر کردن هر ملت پیامدهای مهمی در سرنوشت اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی و حتی نظامی آن دارد. طبیعت انسان ها اگر چه یکسان است، اما فرهنگ ها و طرز تفکرشان گوناگون است که همین ویژگی، آنان را در انتخاب راههای متفاوت راهنمایی می کند. لذا فهم این گوناگونی تفکر می تواند زمینه های اصلاحات داخلی هماهنگ با تحولات روز جهان و روش تعامل و رویارویی (روابط اقتصادی - سیاسی، طراحی استراتژی بلند مدت، روابط فرهنگی) با کشورها و جوامع دیگر را تکامل بخشیده، پویانده و سودمند سازد (نیتوبه، ۱۳۸۸: ۵).

ژاپن نمونه ای متفاوت

سنت های گذشته عینا تکرار نمی شوند، هر نسلی آن را بازآفرینی می کند (بر ساخت) و به صورت فرهنگی زنده در می آورد. امروز بازسازی سنت ها در مقایسه با گذشته با

سرعت بیشتری انجام می‌شود. فرهنگ و سنت گذشته اگر در ابعاد آموزشی و فرهنگی نهادینه نشود و خود را با تحولات تکنولوژی و علوم هماهنگ نکند، رابطه‌اش با نسل جدید قطع و گسسته می‌شود. هرچه عقب ماندگی علمی-تکنولوژی بیشتر باشد دامنه این گسست بیشتر است. فرهنگ و تفکرات ملت‌ها به ویژه نسل جوان، نه می‌تواند از گذشته خود بگسلد و نه می‌تواند به آینده و روند جهانی تحولات بی‌اعتنا باشد. (نیتوبه، اینازو، ۱۳۸۸: ۷).

به نظر ژاپنی‌ها توانستند در یک عمل هوشمندانه در مواجهه با غرب مفاهیم سنتی خویش را در زندگی و فرهنگ امروزه زنده نگه دارند و هر چند که نام بسیاری از آنها کم رنگ شده است، اما شیوه و روش آنها در شکل‌های جدیدی در اخلاق مردم گویی برساخت شده و توانسته در مسیر پیشرفت ژاپن را یاری کند.

«هرمان کان» در اثر خود ویژگی ژاپنی‌ها را در این زمینه چنین تحلیل می‌کند: «ژاپنی‌ها مادماً تصور بسیار روشنی از خویش دارند، بدین معنا که خود را موجوداتی اصیل می‌دانند. ژاپنی بودن به معنای یکتا و بی‌همتا بودن است. البته این مانع از آن نشد که مردم ژاپن انواع اندیشه‌ها، شیوه‌ها، فنون، تکنولوژی، مفاهیم «را نخست از چینیان و سپس از اروپائیان و آمریکائیان اقتباس کنند. اما ژاپنی‌ها از آغاز با روحیه‌ای انتخابی و برگزیننده با این عناصر خارجی رو به رو شدند» (ورجاوند، ۱۳۷۸: ۸۴).

وقتی سخن از تکیه‌ی ژاپنی‌ها بر حفظ هویت فرهنگی و ارج گزاردن آنها بر سنت‌های اصیل جامعه‌شان در کنار توجه به پیشرفت‌های چشمگیر علمی و تکنولوژی و بالاخره رشد عظیم اقتصادی این کشور به میان می‌آید گروندگان به مارکسیسم از یک سو و پیروان افکار جهان سرمایه‌داری غرب از سوی دیگر هر یک با معیارهای خاص خود می‌کوشند تا انجام چنین روندی را به زیر سوال ببرند و ناشدنی قلمداد کنند. گاه برای توجیه موضوع به برخی نمونها نظیر آن که تعدادی از زنان ژاپنی با انجام جراحی پلاستیک برآند تا چهره‌ی خود را به شکل غربی درآورند و موهای‌شان را به رنگ زنان مغرب زمین رنگ می‌کنند و به مدهای پارسی توجه دارند و یا این که مردان به سبک

غربی لباس می‌پوشند و گلف بازی می‌کنند و در بعضی شهرها معماری غربی می‌رود که به ناصواب برای خود جایی باز کنند و... اشاره می‌گردد (همان، ۸۰).

در حالی که مقصود از تکیه بر فرهنگ و هویت ملی و بیگانه نگشتن از خود در جامعه‌ی ژاپن به اصول بنیادینی مربوط می‌شود که عامل پیروزی این ملت را باید در آنها جستجو کرد. همبستگی اجتماعی و سود خود را در تأمین منافع گروه وسیع‌تری دیدن و حرمت گذاردن بر قوانین اجتماعی و مشارکت صمیمانه در کار و سازندگی بر کنار از دید تنگ‌نظرانه فردپرستی، از ویژگی‌های جامعه ژاپن به شمار می‌رود. «... زندگی ژاپنی‌ها کماکان از مفهوم اتکاء متقابل متأثر است. در حالی که غرب با تأکیدی به بر فردیت دارد بیشتر موجب پیدایش روحیه اتکاء به خود در افراد می‌شود. در ژاپن تصور مردم از یک مؤسسه‌ی تجاری (علی‌رغم بزرگی آن) همان تصویری است که آنان نسبت به منزل خود دارند. با همان وابستگی‌های متقابل و وفاداری که مشخصه‌ی زندگی خانوادگی است.» ژاپنی‌ها به امر مشورت برای جستن راه‌حلی که بتواند سود همگان را در بر بگیرد علاقه‌ی فراوان دارند. از جمله در محیط‌های روستایی سرپرستان و نمایندگان خانواده‌ها به نشست می‌نشینند و مشکلات را طرح می‌کنند و راه‌حل‌ها را عنوان می‌سازند و هر یک به تفصیل نظر خود را مطرح می‌کنند. زمانی که اختلاف نظرها بالا می‌گیرد گفت و شنود را برای مدتی به تأخیر می‌اندازند و سپس از سر می‌گیرند تا این که سرانجام به راه‌حلی می‌رسند که دست کم هفتاد درصد با آن موافق هستند، افرادی که در اقلیت قرار می‌گیرند صمیمانه راه‌حل گزیده شده را می‌پذیرند و بدون کوچکترین کارشکنی با بقیه همکاری می‌کنند. به این ترتیب ژاپنی‌ها از یک سو با علاقه در یافتن بهترین راه‌حل برای پیشرفت جامعه و تأمین منافع خود احساس مسئولیت می‌کنند و از سوی دیگر خود را موظف به رعایت و اجراء نظر یک اکثریت قوی می‌دانند، اکثریت قوی‌ای که بر اساس مذاکره و بحث‌های فراوان حاصل شده و در جریان آن همه جنبه‌های مسئله یا مسائل شکافته شده و هیچ دید و سلیقه و راه‌حلی از نظر دور نمانده است. در این جامعه سرپرستان خانواده و آنهایی که از من

بالتر و در نتیجه از تجربه بیشتری برخوردارند و شناخت بیشتری نسبت به بار فرهنگی جامعه خویش دارند از احترامی خاص برخوردار هستند. ضمن این که اندیشه‌های جوان نیز از فرصت لازم برای طرح نظریات خود با رعایت احترام بزرگترها برخوردار می‌باشند (ورجاوند، ۱۳۷۸: ۸۰).

در ادامه به عنوان نمونه به یک مفهوم سنتی ژاپنی به نام بوشیدو اشاره خواهد شد و طریقت بازسازی آن در ژاپن امروز.

بوشیدو

بوشیدو به معنای عام به یک خصوصیت ژاپنی گفته می‌شود که حداقل قدمت هزار ساله دارد. این لغت در متون قدیمی ژاپنی مثل "هاگاکوره" به طور عام برای تعریف خصوصیات فرد ژاپنی به کار رفته است. اما اصطلاحاً بوشیدو در کتاب نیتوبه مظهر روح سلحشوری و قهرمانی یک طبقه خاص است.

سلحشوری همچون شکوفه گیلاس نماد سرزمین ژاپن است و نه نمونه‌ای خشک شده از فضیلتی کهن که در گلخانه تاریخ ما نگهداری شده است. سلحشوری هنوز در میان ملت ما است با قدرت و زیبایی زنده. گرچه تصور شود که صورت و شکل ملموسی ندارد، اما حداقل رایحه‌ای از حال و هوای معنوی در بر دارد و نوید بخش آن است که ما هنوز تحت تاثیر افسون قدرتمند او هستیم. (نیتوبه، اینازو، ۱۳۸۸: ۴۱).

ترجمه لغوی بوشیدو اصطلاحاً طریقت نظامی - شهنسوازی است. بدین معنی که طریقتی است که سامورایی‌های مبارز در زندگی روزانه و نیز بر حسب وظیفه از نظر طبقه اجتماعی باید رعایت کنند. (همان، ۴۴) پس بوشیدو قانونی است مربوط به اصول اخلاقی که به سامورایی‌ها تعلیم داده شده و آنان ملزم به حفاظت و رعایت آن بودند. ولی این قانون مکتوب نیست، در نهایت مشتمل بر معدودی اندرز و مثال است که دهان به دهان گشته و از قلم تنی چند از سامورایی‌ها و حکمای مشهور جاری شده

است. غالب مواقع قانونی است ناگفته و یا نانوشته که دارای ضمانت بیشتری نسبت به رفتار واقعی است. قانونی است که بر لوح قلب انسانی حک شده است. این قانون بر خلاقیت تفکری واحد استوار نیست و بر حیات شخصیتی هرچند توانا و مشهور اتکا ندارند بلکه ناشی از تبلور و رشد ارگانیک دهه‌ها و قرن‌ها زندگی نظامی‌گری کشور ماست (همان، ۴۴).^۱

۱- تعلیم کنفسیوس بارورترین سرچشمه‌های بوشیدو بوده‌اند. تعلیمات پنج‌گانه کنفسیوس در مورد ارتباطات اخلاقی ما بین خادم و مخدوم، پدر و پسر، شوهر و همسر، برادر بزرگتر و برادر کوچکتر و بین دو دوست، در نظام اخلاقی کشور ما وجود داشت که ورود نوشته‌های کنفسیوس از طریق چین تنها مهر تاییدی بر آنها زد. آرامش لطف و خصوصیت خردمندانه دنیوی اصول اخلاقی سیاسی کنفسیوس، به خصوص برای سامورایی‌ها که طبقه حاکم را تشکیل می‌دادند، مطلوب بود. (نیتوبه، اینازو، ۱۳۸۸: ۵۳).

راستی و درستی: درستی و راستی قدرتمندترین مفاهیم در قانون سامورایی است. هیچ چیز برای او نفرت‌انگیز تر از رفتار مرموزانه و تعهد نادرست نیست. مفهوم راستی ممکن است اشتباهی گمراه‌کننده یا نادرست باشد، ولی یکی از بوشیدوهای معروف (به نام‌های شایسته‌ی) آن را به صورت قدرت و شهامت در تصمیم‌گیری تعریف کرده است:

"درستی عبارت از قدرت تصمیم‌گیری بر نحوه‌ای از رفتار است که در هماهنگی با عقل و فاقد تزلزل باشد. مرگ زمانی که مردن لازم است، ضربه زدن به هنگام ضربه زدن"

شجاعت، روح شهامت و تحمل: شجاعت اگر جز در امر پرهیزکاری به کار می‌رفت در میان فضیلت‌ها کمتر قابل ملاحظه بود، کنفسیوس در منتخبات خود شجاعت را به روال معمول خود و با نفی آن تعریف می‌کند. به عقیده وی انجام ندادن آنچه که به صورت درست درک می‌شود، فقدان شجاعت است. این طنز را اگر در عبارت اثباتی بگذارید، بدین صورت در می‌آید: شجاعت عبارت است از انجام کار درست، به استقبال هرگونه خطر رفتن، خود را به مخاطره انداختن و به کام مرگ تاختن است که اینها اغلب به معنای دلیری شناخته می‌شوند و در حرفه نظامی چنین یورش در رفتار به ناروایی تحسین شده‌اند. ولیکن در ادراک مقام سلحشوری این چنین نیست. در آنجا مرگ برای امری بی ارزش مردن برای آن چیزی است که مرگ سگان نام گرفته است امیرزاده‌ای از منطقه می‌تواند می‌گوید: "تاختن بر قلب سپاه و کشته شدن در آن کفایت می‌کند زیرا این کمترین بی ادبی در برابر تکلیف است"

وی بلافاصله ادامه می‌دهد:

"شجاعت واقعی آن است که زندگی کنی آنگاه که زندگی کردن درست است و بمیری هنگامی که مرگ شایسته است"

نیکخواهی احساس پریشانی: عشق، بلند همتی، محبت به غیر، همدردی، ترحم (شفقت) همواره به عنوان فضایی متعالی یعنی عالی ترین خصایل روح انسانی شمرده شده‌اند. ما برای بیان و احساس این مکنونات که ترحم، پادشاهی است بالاتر از تاج و تخت و خاندانش نیازی به شکسپیر نداشتیم، مگر اینکه شاید ما هم نظیر بقیه مردم از او می‌خواستیم بیان کند که این خصلت فضیلتی لطیف و مادرانه است. اگر راستگویی و عدالت به طرز غریبی خصوصیتی مردانه دارد ترحم دارای لطایفی استبا تدام و طبع زنانه. به ما تذکر داده می‌شود که از فرط نیکوکاری و نوع دوستی بی دریغ بی آنکه به آن چاشنی عدالت و درستی را اضافه کنیم پرهیز کنیم.

منسیوس گوید: " نیکخواهی هر آنچه را که سد قدرت است به زیر می کشد همچون آبی است که آتش را مهار می کند. البته آنان از قدرت یک پیاله آب در فرو نشاندن شعله‌های آتش واگنی پر از هیزم تردید داشتند" او همچنین می‌گوید " احساس پریشانی سرچشمه نیکخواهی است لذا مرد خیر خواه همواره در فکر آنهایی است که رنج می‌برند و در تنگدستی اند"

ادب: " تواضع و آداب دانی توجه هر توریست خارجی را به عنوان نشانه خصوصیت ژاپنی‌ها جلب کرده است. ادب چنانچه تنها نتیجه ترس ناشی از تخطی در برخورد با امیال دیگران باشد، فضیلت حقیری محسوب می‌شود، در حالی که ادب بایستی نمود عینی از توجه به همدردی با احساسات دیگران به حساب بیاید. همچنین ادب نشانه توجه لازم به برازندگی و شایستگی است، لذا احترامی بجا برای موقعیت‌های اجتماعی محسوب می‌شود. زیرا موارد اخیر هیچگونه تشخیصی از نظر قدرت توانگری در بر نداشته بلکه دارای تشخیصی به جهت داشتن لیاقت واقعی است.

شرف: معنای شرف دلالت بر شعوری شفاف از شان و منزلت شخصی دارد که در توصیف آنان که شهسوار زاده شده و پرورش یافته‌اند به خطا نمی‌روند و برای ارج نهادن به مزیت‌های حرفه‌ای آنهاست. گرچه کلمه‌ای که امروزه به طور متداول از لغت شرف استنباط میشود قبل از این به طور معمول به کار نمی رفت. نام نیک به عنوان امری عادی انگاشته می‌شد. هرگونه تخطی در یکپارچگی آن احساسی از شرمندگی در بر داشت. رن- کی - شین (احساس شرمندگی) یکی از اولین مظاهری است که در تربیت دوره جوانی بایستی گرامی داشت.

آرایی‌هاکوسکس میگوید: " بی آبرویی مثل زخمی در درخت است که زمان به جای آنکه آن را پاک کند کمک می‌کند که عمیق تر شود"

تکلیف به وفاداری: این خصوصیت اخلاقی سنگ بنایی بود که دیگر فضایل اخلاق فئودالی بر آن استوار بود. به طور کلی دیگر فضایل و اخلاق فئودالی بر آن استوار بود. به طور کلی دیگر فضایل و اخلاقیات فئودالی با سایر نظام‌های اخلاقی و سایر طبقات مردم وجوه مشترک دارند، اما ابراز وفاداری به مافوق خود وجهی مشخص در اخلاق فئودالی دارد. آگاهم از اینکه صفت وفاداری شخصی نوعی همبستگی و انسجام فردی مابین همه نوع افراد مختلف انسانی و در شرایط متفاوت ایجاد می‌کند.

آیا بوشیدو هنوز زنده است؟

نفوذ بوشیدو هنوز آنقدر محسوس است که هر کس می‌تواند آنها را مطالعه کند نگاه مختصری به طرز زندگی ژاپنی آن را آشکار می‌کند. از "هرن" فصیح‌ترین و درست‌ترین تفسیر تفکر ژاپنی را بخوانید. در این صورت خواهید دید که عملکرد آن نمونه‌ای است از تفکر به شیوه بوشیدو.

بسیار مشهور است که ادب همگانی مردم ژاپن که میراثی از طریقت شهسواری است از نو تکرار خواهد شد. بردباری و استقامت بدنی، شکیبائی و شهامت که ژاپنی کوچک، داراست به اندازه کافی در جنگ ژاپن و چین نشان داده شد.

آیا ملتی در جهان آن چنان وفادار و وطن پرست وجود دارد؟ سوالی است که بسیاری آن را پرسیده‌اند. و از این که پاسخ افتخار آمیز آن مثبت است ما بایستی از بوشیدو سپاسگزار باشیم.

احساس افتخار ما مسئول حساسیت و زود رنجی بیش از حد ماست و چنانچه در ماتکبری وجود دارد که خارجی‌ها به داشتن آن ما را متهم می‌کنند تکبری است که ناشی از خلیقات برآمده از بوشیدو است.

با آنکه اثرات بوشیدو عمیقاً ریشه گرفته است گفته‌ام که اثراتش ناخودآگاه و بی صداست. مردمان بدون آنکه استدلال کنند به آنچه که به ارث رسیدنی است از دل واکنش نشان می‌دهند.

لغت وفاداری همه احساسات نجیبانه‌ای که تاکنون به حال تردید و غیر صمیمی وجود داشته را باز میگرداند. گروهی از جوانان دانشجوی سرکش که در اعتصاب طولانی مدت و مستمر دانشجویی به خاطر نارضایتی با استادی در کالج درگیر بودند، با سوال سادهای که مدیر کالج مطرح کرد از هم متفرق شدند. آیا استاد شما دارای شخصیتی نیرومند است؟ اگر این چنین است باید به او احترام بگذارید و در دانشکده حفظش کنید و اگر ضعیف است از جوانمردی به دور است که مرد در حال سقوطی را هول بدهید.

عدم توانایی علمی‌استاد که نقطه شروع مشکلات بود در مقایسه با نکته اخلاقی که به آن اشاره شده بی اهمیت جلوه کرد. با برانگیختن احساساتی که توسط بوشیدو پرورش یافته بود نوآوری‌هایی اخلاقی با ابعادی وسیع قابل وصول است. (همان: ۱۷۱-۱۷۳).

بازتولید بوشیدو در رفتار مدیران ژاپنی:

آنچه بیان می‌گردد توضیح این واقعیت است که ژاپنی‌ها، ژاپنی مدیریت می‌کنند بسیار متفاوت از دیگر کشورها هر چند ممکن است در برخی اصول از غرب و دیگر کشورها آموخته باشند اما در نهایت ژاپنی عمل می‌کنند منافع جمع را به منافع فرد ارجحیت می‌دهند، رضایت کارکنان را بر رضایت سهامداران ارجح میدانند و یا حداقل آنها را با هم برابر می‌بینند. و همه اینها بر آمده از فرهنگ بومی این سرزمین است که یکی از آیین‌های موثر بر این بینش می‌تواند آیین بوشیدو باشد.

ماتسوشیتا رسالت تولید کننده را اینگونه تشریح می‌کند "رسالت تولیدکننده غلبه بر فقر و آزاد کردن کل جامعه از چنگال آن و ایجاد رفاه در جامعه است. هدف از کسب و کار و تولید صرفاً گسترش دادن فروشگاه‌ها یا کارخانه‌های شرکت مورد نظر نیست بلکه ثروتمند کردن کل جامعه است. ماتسوشیتا برای دستیابی به این رسالت هفت اصل را برای فعالیت‌های خود تعریف کرد.

۱- روحیه خدمت رسانی از طریق صنعت

۲- روحیه عدالت جویی

۳- روحیه همانگی و همکاری

۴- روحیه عشق به پیشرفت

۵- روحیه احترام گذاری و فروتنی

۶- روحیه سازگاری با قوانین طبیعت

۷- روحیه قدر شناسی

این هفت اصل از سال ۱۹۳۳ تا امروز شعار اصلی برای کار روزانه هزاران عضو شرکت الکتریکی ماتسوشیتا بوده است. (ماتسوشیتا، ۱۳۹۱: ۲۰)

حلقه مفقوده در فهم بهره وری ژاپنی، نقشی است که شرکت‌ها ایفا می‌کنند تا کارگران‌شان بتوانند نسبت به افزایش بهره وری تولید، احساسی مشترک و ملموس داشته باشند. این مدیریت دلسوزانه و مادرانه^۱ را می‌توان در ارتباط نزدیکی تعریف کرد که شرکتها با کمک آن و مراقبت از کارگران، ایشان را فعال می‌سازند تا در کارشان پیشرفت کنند.

شاید بسیاری با استفاده از کلمه "مادرانه" در روش مدیریت ژاپنی که بطور سنتی باید به آن مدیریت پدرانه^۲ اطلاق کرد، موافق نباشند. اما واقع این است که کاربری این واژه در ارتباط با مهر و عاطفه مادری ارزیابی می‌گردد که یک لحظه از یاد فرزندانش غافل نمی‌ماند. شرکت‌های ژاپنی را به مثابه خانواده‌ای بزرگ باید در نظر آورد که ایفای نقش مدیریت به عهده انسانی دلسوز و خیراندیش است که کارگران را همچون فرزندانش دوست دارد و آنها نیز تابع او هستند. بعبارتی حداعلائی توجه را تنها در عاطفه مادری میتوان ادراک کرد و لذا اطلاق "مدیریت مادرانه" برای رساندن آن معنا است. از آنجا که این روش بر پایه‌های اطمینان، وفاداری، پشتیبانی و اختیار استوار است لذا مدیر ژاپنی با شناخت نیازهای کارکنان خود و احتیاجات رو به رشد خانواده آنها و نیز حمایت از ایشان در برابر اخراج و همچنین افزایش باقاعده حقوقشان، نقش خود را به کمال ایفاء می‌کند (افشین منش، ۱۳۷۱: ۳۹).

آکیو موریتا می‌گوید: روش‌های کارگری ژاپن در دنیای امروز اغلب قدیمی تلقی می‌شود، و برخی مردم می‌گویند که اخلاق قدیمی کار در ژاپن نیز مثل بقیه جاها به تدریج از بین می‌رود، اما من فکر نمی‌کنم که این امر به صورت حتمی و اجباری باشد. آن سان که من می‌بینم، میل به کار و انجام آن به خوبی، چیزی غیر طبیعی نیست که

1. maternalistic
2. paternalistic

لازم باشد بر مردم تحمیل کرد. به نظر من، مردم از آن محیط و نیز تکمیل کاری که آنان را به فعالیت وادار می‌سازد، اظهار خشنودی و رضایت می‌کنند، به ویژه هنگامی که به کار و نقش آنان ارج نهاده شود. مدیران خارجی ظاهراً این مسئله را نادیده می‌انگارند. برای مثال، مردم در آمریکا در نظامی قرار دارند که در آن کارگر نیروی کار خود را به قیمتی می‌فروشد. از یک نظر، این خوب است، چون مردم نمی‌توانند بی آن سر کنند، آنان می‌دانند که مجبورند کار کنند تا امرار معاش نمایند وگرنه کار خود را از دست می‌دهند. (من نیز فکر می‌کنم روش آمریکاییها که فرزندان خود را مجبور می‌کنند کمک هزینه تحصیلی خود را به طریقی در آورند، فکر خوبی است، در ژاپن ما اغلب صرفاً به فرزندان خود پول می‌دهیم بی آنکه چیزی در قبال آن از آنان بخواهیم.) در ژاپن ما پیامدهای احتمالی تضمین امنیت شغلی را می‌پذیریم، آن گاه مجبوریم که آنان را مرتب تشویق به کار کنیم. اما من معتقدم این اشتباه بزرگی است که آدم فکر کند پول تنها وسیله پاداش در قبال کار شخص است (موریتا آکیو، ۱۳۷۴: ۲۶۹).

آنچه ما در بخش صنعت در مورد نیروی انسانی آموخته‌ایم این است که آنان صرفاً به خاطر پول کار نمی‌کنند و اگر شما می‌خواهید در آنان انگیزه‌ای ایجاد کنید، پول مؤثرترین وسیله نیست. اگر می‌خواهید در مردم انگیزه ایجاد کنید، آنان را عضو خانواده بدانید و با آنان به مثابه عضو محترم خانواده رفتار کنید. مطمئناً این امر در میان جمعیت تحصیل کرده، این موضوع حتی ساده تر انجام می‌گیرد (موریتا آکیو، ۱۳۷۴: ۲۰۲).

در روابط کارگری ژاپن نوعی برابری وجود دارد که در جاهای دیگر نیست. در کارخانه سونی میان کارگران ماهر و غیر ماهر تمایز اندکی مشاهده می‌شود. و اگر مردی یا زنی به سمت رهبر اتحادیه ارتقا یابد ما نسبت به او علاقه مند می‌شویم، زیرا این گونه اشخاص کسانی هستند که می‌توانند دیگران را متقاعد کنند و افراد را وادار سازند که با آنان همکاری کنند و ما در جستجوی چنین اشخاصی برای رده‌های مدیریتی هستیم. مدیریت، دیکتاتوری نیست. مدیریت بالای شرکت باید دارای

استعدادی باشد که با هدایت کردن مردم، آنان را اداره کند. ما مرتباً در جستجوی اشخاص مستعد با چنین کیفیتهایی هستیم و اغلب به دلیل نداشتن تحصیلات لازم، یا به دلیل کوتاه فکری شان، آنان را غیر قابل قبول تشخیص می‌دهیم. در شرکت‌های ما روحیه تخاصم و تهاجم بسیار اندک است و رو در روی دیگری ایستادن امکان ندارد (موریتا آکیو، ۱۳۷۹: ۲۰۴-۲۰۵).

دلیل این که ما می‌توانیم روابط خوبی با کارمندان خود داشته باشیم، این است که می‌دانند که ما نسبت به آنان چه احساسی داریم. در مورد ژاپن، داد و ستد با سازماندهی شرکت به وسیله صاحبان کار و با استفاده از کارگران به مثابه ابزار کار آغاز نمی‌شود. سرمایه‌گذار شرکتی را تأسیس و افرادی را استخدام می‌کند که نظارت او را درک کنند، اما به محض این که کارمندانی را استخدام کرد، باید آنان را به مثابه همکاران یا دستیاران خود تلقی کند و نه وسایلی برای ایجاد سود. مدیریت باید بازده خوبی را برای سرمایه‌گذار در نظر بگیرد، اما او باید کارمندان یا همکاران خود را نیز در نظر داشته باشد که در فعال نگه داشتن شرکت به او باید کمک کنند و نیز در پاسخ به این کمک، پاداش آنان را فراموش نکنند. سرمایه‌گذار و کارمند در یک موقعیت قرار دارند، اما گاهی کارمند دارای اهمیت بیشتری است، چون کارمند مدت درازی در شرکت است، در حالی که سرمایه‌گذار صرفاً برای برداشت سود وارد کاری می‌شود. مأموریت کارگران کمک به رفاه شرکت، خود و زندگی کاری خویش می‌باشد. او واقعاً مورد نیاز است (همان: ۲۰۸).

در ژاپن ما احساس می‌کنیم که شرکت به همان میزان که مربوط به سهامداران است، متعلق به کارگران نیز هست.

هنگامی که شرکت‌های ژاپنی در افول یا سقوط صنایع، خط تولید خود را تغییر دادند یا چیزی به آنان افزودند، به کارگران پیشنهاد بازآموزی دادند و کارگران در اکثر نقاط مشتاقانه آن را پذیرفتند. این امر گاهی نیاز به حرکت خانواده‌ای به سوی شغل تازه را ایجاد می‌کند و خانواده‌های ژاپنی عموماً مستعد این جابه‌جایی هستند.

در سونی ما دریافتیم، گرفتاری کار با کارگر یا کارمندی که عادت کرده صرفاً برای پرداخت حقوق کار کند، این است که اغلب فراموش می‌کند که از او انتظار می‌رود برای موجودیت گروهی کار کند، و این رفتار خود محورانه شغلی او برای خود و خانواده‌اش که اهداف همکاران خود و شرکت را نادیده می‌گیرد، رفتار سالم و مطلوبی نیست (همان: ۲۷۴).

مهمتر این که، کارگر امروز دیگر برده ماشین آلات نیست که یک عمل مکانیکی ساده را به طور مرتب تکرار کند، آن سان که چارلی چاپلین در فیلم «عصر جدید» انجام می‌داد. کارگر دیگر ابزاری نیست که تحت قانون بی‌محتوایی کار می‌کند و نیروی کار خود را می‌فروشد. بالاخره ماشین آلات یا کامپیوتر می‌تواند جای کار یدی را بگیرد. صنعت نوین نیاز به مغزهای برجسته دارد و کارکنان نیز باید به این امر توجه کنند. نه ماشین آلات و نه حیوانات هیچ کدام نمی‌توانند وظایف مغزهای برتر را انجام دهند.^۱ در اواخر دهه ۱۹۶۰، هنگامی که مدارهای مرکب هنوز به وسیله دست تکمیل می‌شد، انگلستان ماهر زنان آسیایی به شدت مورد تقاضای شرکت‌های ایالات متحده بود. همین که طرح این روش‌ها پیچیده تر شد، ماشین آلات نیز به نوبه خود پیچیده‌تر شدند، نظیر دستگاه‌های لیزری که دیگر به انگلستان ماهر احتیاج نداشت، بلکه مغزهای تیز و روشن مورد نیاز بودند. بنابراین ترفیع مهارت کارگران چیزی است که کشورها باید درباره آن تأمل کنند و اندیشه حفظ شغل‌های قدیمی در عصر جدید هیچ گونه مفهومی ندارد. در نتیجه، آموزش و تربیت کارمندان جدید و بازآموزی کارمندان قبلی برای چالش‌های جدید ضرورت پیدا می‌کند (همان: ۲۶۸، ۲۶۹).

موضع ژاپنی‌ها نسبت به کار کاملاً متفاوت از موضع آمریکایی‌هاست. مردم ژاپن دارای زمینه سازگاری بهتری با هر شغلی هستند و آن را شرافتمندانه تلقی می‌کنند. وقتی کسی در سن ۵۵ یا ۶۰ سالگی بازنشسته می‌شود و سپس در شغل دیگری که

۱- یک ژاپنی به یک ایرانی می‌گوید فرق ما و شما در این است که گنج‌های شما در زیر خاک است و گنج‌های ما کمی بالای خاک. اشاره به نفت ایران و مغز ژاپنی‌ها.

پایینتر از شغل قبلی اوست، اشتغال پیدا می‌کند، هیچ کس نسبت به او به دید تحقیر نمی‌نگرد، باید یاد آور شوم که مدیران عالی‌رتبه هیچ گونه سن بازنشستگی اجباری ندارند و بسیاری از آنان تا ۷۰ و ۸۰ سالگی سر کار باقی می‌مانند (همان: ۲۶۷). کارگران ژاپنی در انجام کارهای گروهی بسیار مستعد بر حفظ ارزش‌های سستی خود در همکاری با یکدیگر و توافق‌های گروهی دارند. در این حال شرکت‌ها نیز با ابداع لباس‌های متحدالشکل، نشان‌ها، اجرای نصب شعارها و همچنین سازماندهی برنامه‌های آموزشی و رقابت‌های ورزشی، پرورش و تقویت این روحیه تعاون دارند (افشین منش، ۱۳۷۱: ۵۲).

ژاپن و غرب

با جمع بندی متن تا اینجا میتوانیم به طور خلاصه در محورهای زیر تفاوت دو نگاه ژاپنی و غربی (آمریکایی) را خلاصه کنیم. البته تردیدی نیست که این دو تفکر ویژگی‌های مشترک بسیاری نیز دارند اما از آنجا که موضوع بحث ما مسیر متفاوتی است که ژاپن رقم زده است تبعا بحث از اشتراکات مسیر کمکی به ما نمی‌کند لذا ما ارزش‌های موجود در این نگاه‌ها را به طور اختصار در جدول زیر بیان کرده‌ایم.

نگاه غربی (آمریکایی)	نگاه ژاپنی
روحیه رقابت و تضاد منافع	روحیه همکاری و تعاون
اولویت منافع فرد	اولویت منافع جمع
دلیل عمل: کسب ثروت	دلیل عمل: حس افتخار
رفتار عقلایی	رفتار سلحشوری
منفعت محوری	وفاداری و میهن پرستی
توسعه طلبی	عدالت طلبی
رسالت تولید سود بیشتر	رسالت تولید غلبه بر فقر

اولویت رضایت سهامداران	اولویت رضایت کارکنان به سهامداران
اتکا به خود در اعمال	اتکا متقابل بین افراد
احترام به مشاغل مهم و بالا بودن حس رقابت	شرافتمندانه دانستن هر شغل و جایگاهی

به نظر تفاوت نگاه ژاپن با غرب واضح می‌نماید و پیشرفت ژاپن نیز غیر قابل انکار است شاید بهترین جمله برای پایان این بحث و بیان تفاوت‌های عمیق، این جمله موریتا باشد:

اما تفاوت‌های شرکت‌های ژاپنی و آمریکایی از تفاوت‌های فرهنگی فراتر می‌رود. اگر شما از یک مدیر عامل ژاپنی بپرسید که «مهمترین مسئولیت شما چیست؟» او بی‌شک خواهد گفت که اشتغال دایم و بهبود سطح زندگی کارگران در رأس کارها قرار دارد. برای انجام این کار، شرکت باید سود داشته باشد. کسب سود هرگز در رأس کارها قرار نمی‌گیرد. تا آنجا که من می‌دانم اکثر مدیران تجاری در آمریکا با لاترین اولویت را به سود سالانه یا در آمد سرمایه گذاران می‌دهند، آنان دارای چنین مسئولیتی هستند، چون این مسئولیت را سرمایه گذاران بر عهده آنان گذاشته اند، و برای این که سر کار خود بمانند مجبورند سرمایه گذاران را راضی نگه دارند. هیئت مدیره نماینده سرمایه‌گذاران است. اگر مدیریت عالی نتواند برای سرمایه گذاران در آمد مورد نظرشان را ایجاد کند، اخراج می‌شود. به همین دلیل، مجبور است از کارخانه و ماشین آلات شرکت و نیز کارگران، به مثابه ابزار رسیدن به هدف خود استفاده کند. این موضوع می‌تواند بسیار زیان آور باشد (همان: ۲۶۰-۲۶۱).

ما باید واقع بینانه هم به دور از تعصب و بلند پروازی و هم به دور از خودباختگی و تسلیم محض، به بازشناسی واقعی خویشتن خویش پردازیم و جنبه‌های مثبت و ارزش‌های والای فرهنگ خود را دریابیم و بر آن تکیه کنیم و خود را شایسته پیمودن راهی بدانیم که سرانجام توان لازم را به ما باز خواهد گرداند. نگاهی به راهی که ژاپن از یک قرن پیش آغاز و طی کرده است و آنچه به دست آورده، نمونه گویایی

است که علم و تکنولوژی تنها در انحصار مغرب زمینی‌ها نیست. که تلاش در راه فعالیت‌های علمی و تکیه بر صنعت، مساوی دور شدن از فرهنگ و سنن ملی و دیرپای یک ملت نخواهد بود. امروز در حالی که بینادهای فرهنگ سنتی، آداب و رسوم ملی و پایه‌های ارزشی اخلاق مردم ژاپن هنوز از استواری چشمگیری برخوردار است، ۵۳شاهد آنیم که در عین حال این کشور از جمله چند کشور توانمند دنیا در زمینه پژوهش‌های علمی و پیشرفتهای تکنولوژیک به شمار می‌رود تا جایی که برای غولی چون آمریکا خطری جدی به شمار می‌آید. هنوز اساس مستحکم خانواده در این سرزمین بر روال گذشته خود پابرجا است و زن ژاپنی از همان صداقت و ایثار و گذشت در برابر شوهر برخوردار است که بود. ژاپنی در بسیاری از رشته‌های علمی به قله رسیده است ولی این امر لطمه‌ای ویرانگر بر ارزش‌های دیرپای فرهنگی و آئین‌های او وارد نساخته است و او را از هویت ژاپنی خود دور نکرده است (ورجانوند، ۱۳۷۸: ۵۷).

بگذارید در اینجا به عنوان مثنی نمونه خروار مثالی بیان داریم ما در فرهنگ سنتی خودمان، چیزهای ارزش‌مندی داریم که سال‌هاست یادگرفتیم به احترام آن‌ها از جا بلند شویم و گاهی دقیقه‌ای سکوت کنیم و... اما اصلاً آن‌ها را در زندگی امروزمان به کار نگیریم و تجددطلبی افراطی مان را در هیچ حالی کنار نگذاریم. قدیمی‌ترها زمستان‌های سرد را با کرسی و زغال یا شمعی یا چراغی کوچک روشن زیر آن می‌گذرانند. دور هم زیر کرسی می‌نشستند و گپ و گفت و داستان‌های شبانه و... محبتی که خانواده را معنا می‌کرد. اما امروز اگر از آمار فجیع مصرف گاز سخن بگوییم و بگوییم کرسی سنتی راه برون رفت از این اسراف ملی در سطح خانه‌های ماست، هیچ گوشی بده‌کار نیست.

واقعیت این است که این خوبی‌های سنتی و فرهنگی اختصاصی به ایران ندارد و در کل پهنه شرق و حتی گاهی غرب سنتی یافت می‌شود. اما مهم آن‌است که چه قوم و تمدنی بتواند امتداد این خوبی‌ها را در زندگی امروزی خود حفظ کند. شاید کرسی

اساساً متعلق به ایران زمین بوده باشد اما ژاپنی‌های عاقل کرسی را از شش قرن پیش سنت خود به درون زندگی امروزی و به ظاهر مدرن می‌آورند تا هزینه‌های گزاف انرژی کشورشان کمرشان را تا نکنند. ژاپنی‌ها به کرسی‌های سنتی خودشان «کوتاتسو» می‌گویند. ما این وسیله با ارزش را کم کم به دست فراموشی میسپاریم و بجز یاد از آن باقی نمی‌گذاریم حال آنکه در ژاپن کوتاتسو زنده مانده و امروزی شده است و از مزایای آن بهره فراوان می‌برند.

اینها تنها نمونه‌های کوچکی از نوع برخورد ملتی به نام ژاپن است با مفاهیم و ابزارهای سنتی خویش که به نظر سنت نه تنها مانعی بر سر راه توسعه آنها نبوده بلکه از عوامل یاری دهنده آنها در مسیر توسعه بوده است. که از این دست دهها نمونه وجود دارد که در این مختصر مجال پرداختن به آنان وجود ندارد و به همین حد اکتفا میکنیم اما آنچه از پرداختن به ژاپن قصد اشاره به آن را داشتیم شباهتی بود که میان آیینی به نام بوشیدو و آیینی به نام فتوت وجود داشت برخورد ژاپنی‌ها با بوشیدو را ذکر کردیم و بیان شد که اگرچه نهاد مربوط به بوشیدو از میان رفت اما آن مفاهیم بازتولید شد و در اشکال جدیدی بروز کرد مانند برخورد ژاپنی‌ها با کوتاتسو اما آنچه ما با آیین فتوت انجام دادیم بی شباهت با برخورد ما با وسیله‌ای به نام کرسی نبود ما نه تنها وسیله را زنده نگه نداشتیم بلکه نتوانستیم مفاهیمی را که در دل آن وجود داشت مانند صرفه جویی در انرژی جمع‌گرایی و... را بازتولید کنیم. در مورد فتوت نیز ما نتوانستیم از ظرفیت‌های این آیین برای پیشرفت و توسعه سرزمینمان بهره‌جوییم. در حالی که توسعه هم پای عصر و زمان فرآیند بلند مدتی است که مبانی فکری - فرهنگی جامعه مورد نظر (اعم از هیئت حاکمه، نخبگان، بنگاه و خانوار) به عنوان لوکوموتیو نرم افزاری آن قبل از واگن‌های سخت افزاری یعنی سرمایه، منابع لایتناهی طبیعی و یا حتی تکنولوژی قرار می‌گیرد. لذا مسائل نظری و تکنیک‌های مطرح شده در اقتصاد توسعه تنها واگن‌هایی هستند که بدون لوکوموتیو نرم افزاری زائده‌هایی بیش به نظر نمی‌رسند، هر چند که به ظاهری فریبنده با ریاضیات عالی و پیشرفته آراسته باشند.

مبانی فکری - فرهنگی توسعه بر شرایط مادی آن اولویت دارد. مبانی که همانا چگونگی نگرش به تولید، ساخت ماده، تکنولوژی و رقابت در عصر صنعتی است. قصه و یا واکنش‌های خوش ساخت و ترکیب هم نیستند، بلکه لوکوموتیوی است که گذشته را به حال و آینده متصل می‌سازد و واکنش‌های پر طمطراق نظریه‌ها را به دنبال می‌کشد. در هر ایستگاهی بخشی از آن تخلیه و بارگیری نوینی از نظریه‌های هم پای عصر و زمان انجام می‌گیرد و دوباره حرکت می‌کند و پایانی بر آن متصور نیست و ایستگاهی هم به نام مقصد وجود ندارد (نقی زاده، ۱۳۸۸: ۳۵). لذا به نظر می‌آید بازآفرینی مفاهیمی مانند فتوت و تلفیق آن با مفاهیم نوینی مانند کارآفرینی که در بالا به آن اشاره رفت می‌تواند کمک بزرگی برای کشور ما باشد تا با ساختار سازی مجدد بتوانیم در مسیر توسعه بوم آورد گام برداریم.

کارآفرینی فتوتی

فتوت

حال که به نظر می‌رسد اشتباهی سهوی یا عمدی در ترجمه یک واژه سبب احیا یک مفهوم عمیق تحت عنوان کارآفرینی شده است، باید تلاش کنیم که اطراف و اکنافش را به درستی شناخته و با بررسی برخی تعاریف غربی و آموزه‌های بومی و فرهنگی، مدلی مدیریتی و بوم گرایانه ارائه دهیم تا علاوه بر این که واژه حامل مفهومی حقیقی خود باشد حامل آموزه‌های فرهنگی سرزمینی که در آن به کار گرفته خواهد شد، نیز باشد. در بخش‌های قبل با اشاره به آیین بوشیدو این نکته بیان گردید که ژاپنی‌ها توانستند با احیا مفاهیم این آیین سنتی، قدمی مثبت برای سبک زندگی و مدیریتی بسیار متفاوت، با غرب بیافرینند. ما نیز تلاش داریم تا با بهره‌گیری از آیین‌های بومی و فرهنگی خویش از این فرصت دست داده در حد اشارتی استفاده نموده مفهوم جدیدی بسازیم که هم بیانگر ویژگی‌های ذاتی واژه کارآفرینی باشد و هم بیانگر سیستم و فرهنگی که

می‌خواهد آن را به کار برد. منظور ما از ذکر این مسائل، راضی کردن خود و دل خوش کردن خواننده به گذشته دور نیست، منظور از بیان تاریخ پند آموزی است. به دلیل این است که گذشته چراغ راهی برای آینده است، و با این افسوس که ما چلچراغ‌های بسیاری از گذشته را در تهاجم فرهنگی غرب به یکباره بر سنگ جهل و خودباختگی شکستیم و امروزه کور مال کورمال کارمان از چاله به چاه افتادن شده است (فرهادی، ۱۳۷۳). این نکته را نیز یادآور می‌شویم که بسیاری از واژگان اگر چه از یاد رفته‌اند اما مفهومشان همچنان در زندگی و شیوه رفتاری مردم بر جای مانده است، و آنچه ما قصد پرداختن به آن را داریم یعنی کارآفرینی فتوتی نیز از همین گونه است. در ادامه به این مسئله پرداخته شده و بیان می‌گردد که این واژه فتوت نیز خود ریشه عمیقی در باور یاریگرانه مردم سرزمین ما دارد به عبارتی ساده‌تر اگر این آیین پذیرفته شده به این دلیل است که با آموزه‌های دینی و فرهنگی ما سازگاری بسیاری داشته است و یکی از دلایل ما برای انتخاب این مفهوم نیز همین مسئله بوده است.

فتوت یا جوانمردی به صورت یک اصطلاح دینی و صوفیانه و اجتماعی عنوان مسلکی خاص است که پس از تصوف بیش از هر طریقه‌ای در کشورهای اسلامی رواج داشته است. این مسلک جنبه اخلاقی دین مبین اسلام را نمایان‌تر کرد و تصوف اسلامی را فعالتر و غنی‌تر ساخت و از جنبه اجتماعی نیز وسیله‌ای برای کمک به درماندگان و موجب استیصال جابران و ستمگران گشت.

موضوع علم فتوت انسان باشد از آن جهت که مباشر و مرتکب افعال جمیله و صفات حمیده گردد و تارک و رداغ اعمال قبیحه و اخلاق رذیله شود به اراده... فتوت را سه مرتبه است اول سخا که هرچه دارد از هیچ کس واندارد. دوم صفا که سینه را از کبر و کینه پاک و پاکیزه سازد و مرتبه آخر وفاست که هم خلق نگهدارد و هم با خدا... علم فتوت علمی شریف است و شعبه‌ای است از علم تصوف و توحید (ریاض، ۱۳۸۹): (۱۵).

و باز می‌خوانیم:

جوانمردی منحصر در دو صفت است: یکی نفع به دوستان رسانیدن و آن سخاوت حاصل شود و دوم ضرر دشمنان از ایشان باز داشتن و آن به شجاعت وجود گیرد فای فتوت دلیل فناست - تا سالک از صفات خود فانی نشود به صفات دوست باقی نتواند شد - تای اول دلیل تجرید است - و او فتوت دلیل وفا است یعنی نگه داشتن آداب ظاهر و باطن و تای دوم دلیل ترک ما سوی الله است^۱.

همین مصنف در جایی دیگر می‌نویسد:

صاحب فتوت پیوسته دست به سخاوت و مروت و ایثار گشاده دارد، به قدر دسترس او، و تکلف نکند و هیچ چیز دریغ ندارد و مادام سفره گشاده دارد صاحب فتوت باید که به قلیل و کثیر به قدر وسعه طاقت از آنچه دسترس باشد، نصیبه‌ای به خلق خدا برساند (همان: ۱۸).

۱- شیخ شهاب الدین سهروردی در فتوت نامه خود دوازده رکن فتوت را اینگونه یاد می‌کند: بند کردن شهوت جنسی، بند کردن شهوت شکم، بند کردن زبان، بند کردن سمع و بصر، بند کردن دست و قدم، بند کردن حرص و امل، سخاوت، کرم، تواضع، عفو، نیستی و هوشیاری در مقام وصلت و قربت و مجاهدت. شیخ هر یک از ارکان مزبور را توضیح داده و در فتوت نامه دیگر خود نیز می‌نویسد:

«فتوت را از فتوی گرفته اند و معنی آن فتوی است که هر کاری که خواهد کردن، و به هر شغل و عمل که مشغول خواه شدن، اگر مردد بود که آیا این کار توان کردن و بدین مهمات توان مشغول شدن، و آیا مصلحت هست یا نه و ببند که بعضی گویند مصلحت هست بکن و بعضی گویند مصلحت نیست مکن - چون در کار عاجز ماند، نزد قاضی با عدل و داد رود یا نزد دانشمند فاضل یا نزد مفتی با فتوی که به کمال علم و ادب و عمل رسیده باشد و یا نزد صاحب فتوتی که به انواع علم و حکمت آراسته بود، پس مشورت کند و بگوید که مرا چنین و چنین مشکلی افتاده است، و یا سوگندی خورده‌ام و یا کاری و مهمی چنین و چنان در پیش دارم که جماعتی مانع می‌شوند، اکنون به فتوی می‌پرسم - شریعت چه دستوری می‌دهد شاید کرد یا نه اگر آن کارها و مهمات صلاح و پسندیده بود، فتوی بنویسند و گرنه گویند که نشاید - پس معلوم شد که فتوی کار پسندیده است زیرا که چون مفتی فتوی نوشت، هیچ کس اعتراض نتواند کرد. لاجرم فتوی و فتوت را معنی یکی است، و آن کس که اهل فتوت است، باید که همچنان پسندیده بود با عدل و انصاف و داد.» (همان ص ۱۷).

فتوت اجتماعی

فتوت اجتماعی عبارت است از کارهایی که فتیان برای بهبود و رفاه عامه مردم و کمک و دستگیری مظلومان و بی‌نوایان، در مقابل ستمکاران و جابران، انجام می‌داده‌اند. می‌گویند اولین گروه فتیان که بدین روش به صورت منظم کار می‌کردند در کوفه به وجود آمد و آن گروه برای مقابله با ظلم و ستم کاری‌های حجاج بن یوسف ثقفی اجتماع کرده بود سپس این روش جوانمردانه مورد تقلید و تتبع قرار گرفت. بعضی‌ها این نوع جوانمردی را در عرب‌های دوره جاهلی و تشکیلات آنان جستجو می‌کنند ولی صحیح آن است که این روش جوانمردانه اگر چه کم و بیش در هر دوره وجود داشته اما امتزاج تمدن‌های ممالک غیرعرب و خصوصاً ایران در تشکیل این نوع فتوت سهمی به سزا داشته است. در دوره اسلامی این نوع فتیان «عیاران» و «شطاران» نامیده می‌شدند. ایشان در کارهای اجتماعی شرکت می‌جستند و به کارهایی برای بهبود رفاه عامه مردم می‌پرداختند و اعمال خوب را به سرعت و تا حدی پنهانی انجام می‌دادند (ریاض، ۱۳۸۹: ۷۲).

به طور خلاصه فتوت شکلی بوده است از خدمتگذاری به جامعه و افراد انسانی با مراسم و آداب مخصوص. با وجود از میان رفتن تشکیلات فتوت، تاثیر آن بر اخلاق و فرهنگ بسیاری از مردم جهان و به ویژه مسلمانان هنوز باقی است و تحت تاثیر مفاهیم و اهداف آن است که بسیاری از اعمال خیر به وسیله افراد یا گروه‌ها یا سازمان‌های مختلف اجتماعی انجام می‌گیرد. (همان: ۱۲۴-۱۲۲).

فتوت نامه‌ها به شکل روانشناسانه و شگفت‌آوری بین کار، هنر، دین، اخلاق، عواطف، احساسات، تاریخ و تخیل و ناخودآگاه قومی پیوندهای عمیق ایجاد کرده و مخاطبان را در جهت کار و تلاش و احترام به فضایل اخلاقی و مردمان و بنی نوع دگرگون می‌سازند. آنها با شگردهای خاص، با عبور از ظاهر به باطن و از اعمال ساده و ابزارهای عینی و امور در دسترس و قابل دید، با نماد سازی و نشانه پردازی و پیوندهای خلاقه با اصول و مبانی و باورهای دینی، فلسفی و اخلاقی، مخاطبان را از

سطح عادی، افعال و اشیا و کلمات به معانی عمیق و پر ژرفا کشانده و چنان با هنرمندی و روانشناسانه بین این دو سطح پیوند زده اند که برای کار و تولید اقتصادی، پشتوانه‌های معنایی عظیمی از امور معنوی و کیفی فراهم آورده و هر گونه خطر از خود بیگانگی را از فضای کار و کوشش دور ساخته و با پالایش ذهن و روان، خستگی تن را نیز حتی المقدور زدوده‌اند و بدین گونه تصور منفی از کار آنچنان که در فرهنگ برده داری یونان و روم و اشرافیت سلوکی - ساسانی و عرب متجلی شده بود را دگرگون کرده و از قرن‌ها قبل به آرزوی "شارل فوریه" درباره "کار دل انگیز" جامه عمل بپوشانند، و با نماد سازی و رازمند آمیزی کار، حتی ساده ترین و یکنواخت ترین آنها را معنا دار، پیچیده و جذاب نمودند، و کار را از معنای گناه اولین و اجباری دور کرده، و آنها را به نردبانی برای آفرینندگی و تلاشی خود خواسته برای برشدن مبدل ساختند (فرهادی، ۱۳۹۰: ۱۸).

اولین تعلیم اهل فتوت و فتوت نامه‌های صنفی ارزش بخشی به کار و مبارزه جانانه با "خوار دانستن" هر نوع کار مفید و مباحی می‌باشد. آنها به درستی پیش از دانشمندان جامعه شناسی و اقتصاد سیاسی دریافته بودند که پایه بسیاری از ستمکاری‌ها این است که عده ایی بدون کار کردن بتوانند به راحتی زندگی کنند "اساس ظلم و از حد در گذشتن، بیکار بودن است" (راوندی، ۱۳۵۷: ۴۰۷).

گفتیم در فتوت نامه‌ها هر شغل و کاری حتی ساده‌ترین آنها به شکلی نمادین و راز آمیز می‌شود که از اصل زیستی و عینی خود بسیار فراتر رفته و چنان در هاله‌ای از تقدس قرار گرفته و قالب‌های کار بدنی سرشار از معانی اخلاقی و انسانی می‌شوند که هر خواننده اهل دل و اندیشه را به تفکر وا داشته و مشتاق چنان کارها کرده و به غبطه وا می‌دارد.

شیوه کار در این رساله‌های جوانمردان به گونه‌ای است که به قول روانشناسان، ما را به "اندریافت موضوع" می‌کشاند، شیوه کار این نویسندگان به گونه‌ای است که برای اصحاب هرمنوتیک و نشانه‌شناسان هم می‌تواند جالب و گاه شگفت آور باشد.

این رمزگزاری و راز پردازی و تاویلات تصعیدی رازمند، نه تنها شامل کار و عامل و کننده کار (کارورزان و استادکاران) که حتی شامل اشیا کار و اسما آنها نیز می‌گردد، و بر خلاف روزگار ما و عصر سوداگری که به قول دورکیم روزگار تقدس زدایی از همه چیز و همه جا و راندن همه مسائل در عرصه اقتصاد غیرمقدس است. مکتب جوانمردان در عصر خود در پی آن بوده است که جوهر و کانون اقتصاد را به فضایی قدسی تبدیل نماید و از کار و کوشندگی نردبان نجات بسازد (فرهادی، ۱۳۹۰: ۱۹).

از آمیزش ضروریات و تجربیات فرهنگی چند هزار ساله ایران و اسلام، در آیین فتوت پیشه‌وران ایرانی، مکتبی جامع به وجود آمده است که از نظر ارج نهادن به کار، نوع دوستی و طبیعت دوستی و همکاری، قابل مقایسه با هیچ مکتب و مسلکی در زمینه کار و تقدم منافع جمع بر فرد و دلخواسته‌هایش نیست، مکتبی که به کار تنها از منظر اقتصاد و اقتصاد سیاسی نگاه نمی‌کند. بلکه به دنبال اقتصاد اجتماعی و اقتصاد روانی و زیباشناسی و اخلاق و تبلور دینداری در کار نیز هست (همان، ۱۱).

مفهوم یاریگری و سازمان‌های یاریگر در ایران

یاریگری مفهومی است که از دیرباز در متن زندگی مردمان سرزمین ما شکل گرفته بوده است. اگرچه یاریگری به طور کلی از دیدگاه اغلب جامعه‌شناسان به عنوان یکی از مشخصه‌های مهم در بسیاری از تعاریف گروه و حتی جامعه وارد شده است اما در جامعه بشری هنوز به موضوع یاریگری توجه درخور نشده است.

کم و کیف سازمان‌های خیریه و دگریار، آشکارترین بازتاب فرهنگ نوع دوستی و ایثار در ایران است. البته همه جوامع جهانی دارای چنین سازمان‌ها می‌باشند. اما وسعت و شدت این عواطف در ایران بیش از حد معمول بوده و هنوز نیز هست. در جوامع قبیله‌ای غالباً مهمترین مالکیت‌ها پس از مرگ مشخص به طایفه باز

می‌گردد.^۱ این مالکیت طایفه‌ای حتی تا همین اواخر در میان ترکمن‌های ایران گزارش شده است....

بازتولید سازمان‌های خیریه و موقوفات در ایران نشان دهنده آمادگی‌های بسیار فرهنگ ایرانی - اسلامی در این زمینه است. شدت خیر خواهی‌های تبلور یافته در ایران و دیگر کشورهای اسلامی به حدی بوده که گاه شمول توجهات آن از آدمیان فراتر رفته و پاره‌ای از جانوران را نیز در بر گرفته است.

موضوع و موارد مصرف درآمد و مداخل و موقوفات در ایران و کشورهای اسلامی بسیار متنوع بوده و پس از گذشت صدها سال شگفت آور می‌نمایند. در این فهرست، از حیاتی‌ترین نیازهای آدمی تا ظریف‌ترین نیازهای روانی او مد نظر بوده است.

از این سرمایه عظیم اقتصاد تعاونی اگر بدرستی بهره‌برداری می‌شد، به مراتب از اقتصاد نفتی برای کشورهای اسلامی مهم‌تر و مفیدتر بود. خانم لمتون درباره اوقاف در ایران مینویسد:

«وسعت املاک موقوفه و تعداد سازمان‌های وقفی امروز اگرچه ... کمتر از آن است که در بعضی ادوار سابق بوده است. با این همه به هیچ وجه نمی‌توان از بحث درباره آنها غافل ماند. املاک موقوفه و خالصه هر دو از صدر اسلام تاکنون انواع مهم املاک را تشکیل داده‌اند و اصولاً وقف از مختصات اسلام است» (لمپتون اس، ۱۳۴۵: ۴۱۲).
از شواهد موجود برمی‌آید که ایرانیان و زرتشتیان پیش از اسلام نیز اهتمام زیادی در امور وقف داشته‌اند (فرهادی، ۱۳۸۸: ۴۷۷).

در ایران باستان وقف مال برای کارهای عام المنفعه وجود داشته است. گاه بود که فرزندان، بخشی از مال رسیده به خود را به نام پدر یا مادر، یا هر در گذشته دیگر، برای انجام کارهای سودرسان به مردم، بند می‌آوردند تا همواره در راهی

۱- مراجعه کنید به: مرتضی فرهادی، واره، تهران شرکت سهامی انتشار ۱۳۶۸-صص ۲۲۱-۲۳۵

که خواسته بودند، همچون نگهداری آب انبار همگانی، نگاهبانی پل، کاروانسرا، دیگدان (اجاق) و بریزن (تنور). نگاهبانی باغ یا درختی چون درخت گردو که میوه آن به همگان می‌رسید... این کار را در فرهنگ ایران «بند» و یا «ایستادن مال» می‌خواندند که پس از اسلام به نام وقف پایدار ماند (فرهادی، ۱۳۸۸: ۴۷۸).

هنوز نیز هموطنان زرتشتی ما به این شیوه مرضیه عمل می‌کنند.

در مریاباد یزد پیرانگاهی موسوم به پیر کوشک یا کوشکی سوز است و بر سنگ دیواره آن چنین خوانده می‌شود:

هو: به نام یزدان آمرزشگر در فرخنده روزگار خسرو دادگر... شت مظفرالدین شاه قاجار که سلطان دخت انوشه روان، اسفندیار و بهمن برای آبادی این خجسته جای و آرامش همکیشان خویش آراسته و انجام داد. امید است هرکس آمد و رفت می‌نمایند آن انوشه روان را به نیکی یاد کرده و آمرزش روان ایشان را از دادار آمرزشگر خواستار آیند (افشار، ۱۳۷۴: ۱۳۱).

نمونه‌های دیگر از اینگونه وقفنامه‌ها در پیرسبز نیز گزارش شده است (طباطبائی، ۱۳۸۱: ۳۱۷-۳۱۸).^۱

... و در پایان به نقلی از شاردن می‌پردازیم که سازمان‌های وقفی ساخته شده برای مسافران را وصف می‌کند:

در تمام جهان کشوری مانند ایران برای سیاحت و جهانگردی وجود ندارد خواه از نظر قلت خطرات از لحاظ امنیت طرق، که مواظبت دقیقی در این مورد به عمل می‌آید، و خواه از جهت کمی مخارج که معلول کثرت تعداد عمارات عمومی مخصوص مسافری در سرتاسر امپراطوری، در بلاد و بیابان است. در این عمارات به رایگان سکونت اختیار می‌کنند. به علاوه در نقاط صعب العبور پل‌ها و جاده‌های مسطحی وجود دارد که برای کاروان‌ها و کلیه کسانی که برای کسب نفع در حرکت‌اند

۱- برای مطالعه بیشتر مراجعه شود به آثار دکتر مرتضی فرهادی

تعبیه شده است (شاردن، ۱۳۴۵: ۱۱۷).

در تمامی موارد فوق وجه مشترکی که به چشم میخورد رفتارهای دگرخواهانه در فرهنگ ایران است.

تعاون در اسلام:

تعلیمات اسلامی به طور کلی و آیات قرآن به طور خاص مکرراً ارزش تعاون و کارهای جمعی را تأیید می‌کند. تعاون در کارهای نیک یک دستور الهی است که در قرآن کریم صادر شده است. پیامبر اسلام (ص) تعاون بین مسلمانان را به عنوان بنیاد جامعه اسلامی و رمز کار آن، در همه امور روحانی امور اقتصادی یا فعالیت‌های اجتماعی تأکید می‌کند. (قحف، ۱۳۶۱).

مشهورترین آیه درباره تعاون در قرآن کریم آیه ۲ از سوره مائده است (... و باید شما به یکدیگر در نیکوکاری و تقوا کمک کنید، نه بر گناه و ستمگری) همچنین در سوره انفال آیه ۷۳ نیز به این معنا یعنی جهت و سویه تعاون اشاره و تأکید گردیده است: (آنان که کافر شدند نیز بعضی دوستدار و مددکار یکدیگرند...)

همچنین در سوره توبه آیه ۷۱، مردان و زنان مومن همه یاور و دوستدار یکدیگر قلمداد شده‌اند.

افزون بر واژه تعاون که قصد دوسویه و متقابل و معوض را به ذهن متبادر می‌کند. در قرآن کریم از مددکاری و کمک یکسویه نیز سخن بسیار رفته است که با واژگانی نظیر صدقه و احسان و انفاق بیان شده‌اند.^۱

در آیه ۱۷۷ سوره بقره آمده است: «نیکوکاری بدان نیست که روی به جانب

۱- در سوره بقره آیه‌های ۸۳ و ۲۶۱ و ۲۶۲ و ۲۶۳ و سوره نسا آیه‌های ۳۶ و ۱۱۴ و سوره آل عمران آیه‌های ۱۵ و ۱۷ و سوره مائده آیه ۳۲ و سوره معارج آیه ۲۴ و سوره فجر آیه‌های ۱۷ و ۱۸ و سوره بلد آیات ۱۳ و ۱۴ و ۱۵ و ۱۶ و سوره ماعون آیه‌های ۲ و ۳ و سوره لیل آیه‌های ۱۸ و ۱۹ و سوره ملثر آیه ۴۴ (فرهادی: ۱۳۸۸).

مشرق یا مغرب کنید چه این کار بی اثری است. اما نیکوکار کسی است که... دارایی خود را در راه دوستی خدا و به خویشان و یتیمان و فقیران و رهگذران و گدایان بدهد و هم در آزاد کردن بندگان صرف کند...» (مطهری، ۱۳۷۲: ۴۲).

نه تنها در امور دینی و عینی که مسلمانان در تصمیم‌گیری‌ها و رایزنی‌ها به کمک فکری با یکدیگر تشویق شده‌اند، و سوره چهل و دوم قرآن کریم "الشوری" نام دارد در آیه ۳۶ این سوره از نشانه‌های مسلمانان در کنار نماز انفاق «انجام کارهایشان با مشورت با یکدیگر» ذکر شده است (فرهادی، ۱۳۸۸).

جالب است که در نظریه‌های جدید مشارکت، مشارکت در تصمیم‌گیری‌های قبل از اجرا را، شرط اساسی مشارکت ناب و فعالانه دانسته‌اند.

پیامبر اسلام نیز سخن مشهوری در این زمینه دارند که غالب نویسندگان اسلامی آن را یاد کرده‌اند «مومنان را از نظر عشق، کمک و محبت متقابل چون یک بدن واحد خواهی یافت که اگر قسمتی از آن در رنج باشد تمام بدن به بیقراری و تب دچار می‌شود» (فحرف، ۱۳۶۱).

«مثل مردم با ایمان آنان که زنده به ایمانند مثل مومنین در همدلی در دوست داشتن یکدیگر در همدردی نسبت به هم علاقه‌مندی به سرنوشت یکدیگر مثل پیکر زنده است که اگر عضوی از آن بدرد آید سایر اعضا با این عضو همدردی می‌کنند» (مطهری، ۱۳۶۶: ۸۲).

در اسلام ترغیب به کارهای دسته جمعی و جماعت نیز در همین راستا است. همچون احادیث «یدالله مع الجماعه» و یا «الجماعه الرحمه».

در زمان مهاجرت مکیان به مدینه... پیامبر اکرم (ص) از انصار خواست که هر کدام یک خانواده از مهاجران را در زندگی خود شریک گردانند... چنین طرحی از جهات متعدد بر روش‌های متداول امروزی ترجیح داشت. همچنین برپایی اردوگاه مهاجران... گذشته از این زندگی جداگانه نمی‌توانست انس و الفت بین مهاجران و انصار ایجاد کند... ولی مشارکت در زندگی امتیازاتی داشت که از آن جمله می‌توان به

احیا روح مسئولیت در آحاد مردم، تضمین زندگی مهاجران، مشارکت آنان در کار و تولید... شاید بتوان گفت یکی از عوامل وحدت آفرین و زنده کننده روح ایثار و گذشت و شکننده بینش‌های ناسیونالیستی و قومی‌همین مساعدت و یاری انصار بود که توانست این دو جامعه را در هم ادغام نماید و از آنها یک جامعه مؤتلف و مهربان و پرگذشت و ایثار ایجاد کند (فرهادی، ۱۳۸۸).

آن چیزی که در مباحث اخیر به خوبی مشخص است تفاوت آشکار بستر فرهنگی ایران با غرب است حال باید گفت که کارآفرینی در این بستر چگونه ویژگی‌هایی دارد.

همانگونه که ملاحظه شد اسلام نفع شخصی را نفی نمی‌کند، اما صلاح جامعه و منفعت جامعه را نسبت به نفع فردی دارای اولویت میداند و در واقع جامعه نسبت به فرد ارجحیت دارد در حوزه اقتصاد نیز که یکی دیگر از بسترهای مهم فرهنگی اجتماعی است که مقوله‌هایی مانند کارآفرینی در آن شکل می‌گیرند نظرات اسلام در راستای منفعت جامعه است نه منفعت شخصی.

اسلام و اقتصاد:

در شاخص‌های مهم اقتصاد از منظر اسلام، اهتمام به حس منفعت جویی تعدیل شده است. اسلام از یک سو سرکوب این حس را ناروا و وجود آن را برای ترغیب مردم به زندگی مادی و دلگرمی آنان به کار و تلاش بیشتر، مثبت ارزیابی می‌کند و لوازم آن را- همانند اصل مالکیت خصوصی- محترم می‌شمارد. از سوی دیگر، توجه همه جانبه به حس منفعت جویی را اشتباه دیگری میداند که بر اثر نگرش افراطی و مادی جهان و انسان به وجود می‌آید و روح تنازع و درگیری عمیق آن را در بین آحاد جامعه ایجاد می‌کند (جوادی آملی، ۱۳۸۱: ۲۴۰-۲۴۱).

کارآفرینی فتوتی

مقصود ما به طور کلی از کارآفرین فتوتی، عاشق پیشه‌ای است که حاضر است با فداکاری‌های بسیار و از آن جمله فداکاری مالی و تحمل زیان و ضرر اقتصادی و تاب تحمل شداید و نیت‌های بسیار گسترده تر از نفع شخصی، همچون پیشبرد نیت‌های خیر خواهانه وطن پرستانه و مذهبی و مسلکی به ایجاد کار و شغل و رونق اقتصادی و درآمد زایی جمعی دست بزند. این تصور در فرهنگ ایرانی صرفاً آرمان‌گرایانه نیست (همانگونه که در سطور بالاتر در مورد وقف بیان شد). فرهنگ مشارکتی ایرانیان بستر لازم فرهنگی و ضرورت‌های اجتماعی و تاریخی و حتی جغرافیایی ایران سبب شده است که تاریخ ما شاهد چنین تجربیاتی در قرون گذشته و هم اکنون باشد و این روحیه جمع‌گرایی و جوانمردی را در اصناف شهری و روستایی و ایلی ایران در قرون اولیه اسلامی و فتوت نامه‌های صنفی آنان (اساس نامه‌ها و مرام نامه‌های صنفی خود پذیرفته و خود تضمین کننده) می‌توان مشاهده کرد (فرهادی، مرتضی، ۱۳۹۰: ۲).

ویژگی‌های کارآفرین فتوتی

فتوت	کارآفرینی
ایثار کردن	خلق و کشف فرصت
دگر خواهی	خلاقیت
سخاوت	اشتغال زایی
خدمت به خلق	اهداف خیر خواهانه
مقدس شمردن کار	محترم شمردن کار
مقدم شمردن منافع جمع بر منافع فرد	کار برای جامعه
در راستای حفظ و اعتلای زیست بوم	نوآوری

در پایان به دلیل نبود فرصت کافی به یک نمونه از هزاران نمونه کارآفرینی فتوتی که در ایران صورت گرفته خواهیم پرداخت و به امید خدا در آینده و در نگاهته‌هایی دیگر به تفصیل در این باره سخن خواهیم گفت.

نمونه مشهور یک خانواده کارآفرین فتوی خانواده صنعتی زاده کرمانی است "شیخ علی اکبر" که پرورشگاه صنعتی زاده کرمان را بنیاد گذارد که هنوز برقرار است که برای یتیمان کرمان کارخانه آدم سازی و کارآموزی و آینده سازی بوده است و نوه اش همایون صنعتی زاده که در عمر خود خواب‌های خوش زیادی برای کارآفرینی و کار درست کردن در ایران انجام داده است و کارخانه گلاب زهرا امروزه در برخی نقاط کرمان کم آب تبدیل به محصول درخور و زیبایی آفرین و برای کشاورزان کرمانی کارساز و درآمدساز شده است (مرقع همایون، ۱۳۸۸: ۱۰۶-۸۲).

دارالایتام کرمان در سال ۱۲۹۵ ه.ش (۱۹۱۶م) در بجهوحه شروع جنگ بین المللی اول تاسیس شده است با بودجه محدود کمک دیگران و همت کم نظیر حاج اکبر صنعتی معروف به کر.

حاج اکبر خود در دارالایتام خود به بچه‌ها الفبا و کار شالی بافی و قالی بافی و رنگریزی و نقشه کشی قالی می‌آموخت... بعضی‌ها هم کفاشی و مکانیکی و آهنگری و خیاطی و نساجی می‌آموختند.

آدمی مثل سید علی اکبر صنعتی نقاش و مجسمه ساز چیره دست در همین پرورشگاه پرورش یافت... حاج اکبر در تمام حرکات اجتماعی کرمان پیشرو و صاحب نظر بود... او یک پراگماتیسم بود و عقیده داشت که همه نظریات فلسفی و اجتماعی باید منجر به کار شود. یک روز نابینایی از او کمک خواسته بود. حاج اکبر گفته بود برو کار کن. نابینا گفته بود من چطور می‌توانم کار کنم که چشم ندارم. حاجی دست او را گرفته و آورده بود در پرورشگاه و سپرده بود به معمار و گفته بود زنبیل آجر و گل را که دو نفر باید ببرند جلو آن را یک کارگر بینا بگیرد و طرف عقب آن را این نابینا مزد

کارگر یک قران بود گفته بود به این روزی سه شاهی بدهند (یعنی ده شاهی زیادتر) بعدها یک معمار به من گفت: این تبعیض حاجی باعث شد که چندین نفر گدای نابینا به کار مشغول شوند (باستانی پاریزی، ۱۳۸۸: ۶۴۵-۶۹۸ نقل به اختصار).

همایون صنعتی زاده به پیشنهاد و همقدمی همسرش یک طرح اقتصادی بزرگ در کرمان پدید آورد که سود آن سرمایه اصلی مخارج دارالایتام باشد کشت گل سرخ حاصل برداری از آن نتیجه کوشش‌های بی‌امان خانم شهین سرلئی همسر همایون است زنی که هزاران هکتار زمین بایر را زیر کشت گل سرخ برد... پشت وانت مینشست و نهال و کود و مصالح برد و آورد تا بوته‌ها به بار بنشینند تا به جای عطر تریاکرایحه مست کننده گل سرخ و عطر گلاب در فضای شناور شود... او و همایون یک پیشنهاد مهم به سازمان ملل داده بودند که حاضرند طرحی اجرا کنند که تمام زمین‌های تریاک کار افغانستان تبدیل به گل سرخ محمدی شوند.

اگر تاریخ این مملکت دیده شود حتی در این یک صده اخیر ما در ایران کارآفرینانی راستین را خواهیم دید که اگر به دنبال پول و سود هم هستند سود هدف ابزاری آنهاست برای ایجاد کار شرافتمندانه و توسعه پایدار و تولید فتوتی. منوچهر ستوده درباره وی نوشت زندگی همایون یعنی "کار و کار و کار" کاره مدیر مدبر را یک تنه انجام داد خدایش بیامرز و قرین رحمت گرداند (ستوده، صنعتی، همان: ۶۴۲).

ستوده درباره صنعتی زاده همان سخنی را گفته است که پادولف برای تعریف نبوغ استفاده کرده است:

"نبوغ چیزی نیست جز کار و کار و کار"

بالاخره هرمز همایون پور درباره وی می‌نویسد:

جوامع پیشرفته امروز به افراد کارآفرین (entrepreneurs) خیلی اهمیت می‌دهند. به واقع هم انقلاب صنعتی عمدتاً نتیجه سرمایه‌گذاری و فعالیت گاه شبانه روزی کارآفرینان پیشگام در اروپا بود، و اکنون هم می‌دانیم و شاهدیم که از جمله همین افراد

موتور اصلی انقلاب اطلاعاتی و ارتباطی در دنیای امروز بوده‌اند و هستند من‌آشنایی مستقیم چندانی با آقای صنعتی زاده نداشتیم.

آقای صنعتی زاده در آن زمان در (سال ۱۳۷۴) به هر حال مردی سالخورده بود. ولی او هرگز نمی‌توانست راحت و باطل بنشیند و ویژگی بارز کارآفرینان، در هر سرزمین و در هر کجا که بود. کار و فعالیت می‌آفرید...

آنچه از او به یادگار مانده، سخت کوشی، نوید نشدن، و کارآفرینی است صفاتی که باید آرزو کرد در میان هموطنان ما دائم شود. (هرمز همایون پور «نماد یک کارآفرین واقعی» همان منبع: ۶۴۵-۶۵۱ نقل به اختصار).^۱

در پایان لازم به توضیح است که نگارندگان آگاه بودند که پرداختن کامل به تمام این موضوعات در حد یک مقاله کاری بس دشوار و شاید غیر ممکن است اما از آنجا که حذف یکی از این موضوعات به جامعیت کار آسیب میرساند خود را ناگزیر یافتیم که مطالب را به اختصار ارائه کنیم و امید داریم که در فرصت‌های آتی بتوانیم در کتاب‌ها و مقالات دیگری بیشتر و جامع‌تر به این موضوع بپردازیم

نتیجه‌گیری

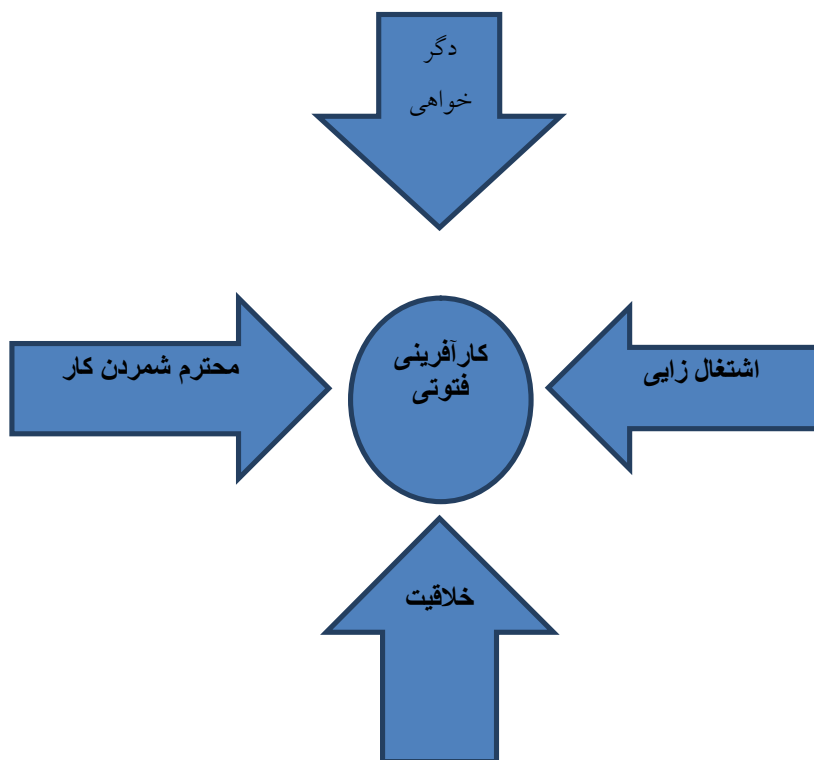
برای شناخت درست هر پدیده‌ای باید آن را از لحظه پدید آمدنش مورد بررسی قرار دهیم تا بتوانیم حدود و شرایط آن را به درستی درک کرده و برای به کارگیری آن راهی درخور بیابیم که ما را در مسیر دستیابی به اهداف یاری کنند در مورد کارآفرینی، ما در بدو تولد این پدیده در سرزمینمان دچار اشتباهی بزرگ شدیم و لذا با پدیده‌ای ناشناخته مواجه شدیم که هویتش با ظاهرش تفاوتی آشکار داشت طبعاً چنین پدیده‌ای در مسیر رشدش نیز توفیق چندانی نخواهد یافت مگر با بازسازی نگاه و اندیشه درباره

۱- جالب است اشاره شود همایون صنعتی زاده حتی به فکر کاری و خدمتی در دنیای باقی و حتی در جهنم نیز بوده است او در غزل واره ای میگوید "چرا ترسم ز دوزخ شاید آنجا / برآمد خدمت و کاری ز دستم (مهدخت صنعتی زاده، همان منبع: ۶۴۳).

آن. ما میتوانیم بنا بر اصل تبدیل کردن تهدید به فرصت از ظرفیت یک مکتب کمرنگ شده و پیوندش با کارآفرینی در معنای حقیقی آن مسیری بسازیم که با شرایط بومی و فرهنگ ایرانی سازگار باشد و در واقع یک مسیر ایرانیزه شده برای خودمان بسازیم کاری که ژاپن در همه سال‌های توسعه در دوران میجی و حتی پیش از آن در مواجهه با هر پدیده‌ای که از غرب می‌گرفت انجام میداد لذا امروز به اذعان بیشتر ناظرین ژاپن کشوری توسعه یافته است که باورهای سنتی‌اش را به شدت حفظ کرده و حتی بیش از آن از این باورها برای توسعه استفاده کرده است که ما به بوشیدو اشاره داشتیم در حقیقت ژاپن نشان داده است که "درخت روی ریشه‌اش سبز می‌شود" و به معنایی دقیقتر بیان می‌کند که سنت و صنعت نه تنها در مقابل هم نیستند بلکه مکمل یکدیگر نیز هستند.^۱ لازم به توضیح است که سخن ما این نیست که محور تقلید را از غرب به شرق تغییر دهیم بلکه می‌خواهیم بگوییم ما باید ایرانی مسیر توسعه را بسازیم از غرب و شرق بیاموزیم اما از ایشان تقلید نکنیم لذا ما با واکاوی یک مکتب سنتی ایرانی اسلامی به نام فتوت و پیوند آن با کارآفرینی قصد داشتیم که برداشت ایرانی شده از کارآفرینی را بسازیم که ممکن است از مفهوم غربی آن بسیار متفاوت باشد.^۲ اما با شرایط بومی ما برای توسعه سازگارتر است این مفاهیم در فرهنگ بومی ایران حاوی مفاهیمی چون دگرخواهی اشتغال‌زایی خلاقیت و مقدم شمردن منافع جمع بر منافع فرد متفاوتی است. پرداختن به همه جنبه‌های کارآفرینی فتوتی در یک مقاله کاری غیرممکن است اما ما تلاش کردیم در حد بضاعت منظور خود را از این مفهوم بیان کنیم و البته که در آینده نیز در مقالات و نوشته‌های دیگر فصیح‌تر و جامع‌تر به بیان بحث‌های نظری و عملی این موضوع خواهیم پرداخت.

۱- برای مطالعه بیشتر رجوع شود به مقاله "صنعت بر فراز سنت یا در برابر آن" اثر دکتر مرتضی فرهادی.

۲- ژاپن در مواجهه با آیین بودا به گونه‌ای آن را ژاپنیزه کرده بودند که ناظران معتقدند تفاوت ماهوی بین آیین بودا و شینتو وجود ندارد



منابع

- قرآن کریم.
- ریاض، محمد. (۱۳۸۹)، *فتوت نامه*، تهران: انتشارات اساطیر.
- نیتویه، اینازو. (۱۳۸۸)، *بوشیدو*، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- فرهادی، مرتضی. (۱۳۸۸)، *انسانشناسی یاریگری*، تهران: نشر ثالث.
- پولانی، کارل. (۱۳۹۱)، *دگرگونی بزرگ*، ترجمه: محمد مالجو، تهران: پردیس دانش.
- قحف منذر. (۱۳۶۱)، *تعاون در اسلام، ماهنامه تعاون*، دوره جدید، شماره ۷.

- مطهری مرتضی. (۱۳۷۲)، *انسان کامل*، تهران: صدرا.
- مطهری مرتضی. (۱۳۶۶)، *حق و باطل*، تهران: صدرا.
- فرهادی مرتضی. (۱۳۷۳)، *فرهنگ یاریگری در ایران*، تهران: نشر دانشگاهی.
- ششجوانی حمیدرضا. (۱۳۹۴)، «*کارآفرینی هنر*».
- فرهادی، کاوه. (۱۳۹۱)، *مدیریت منابع انسانی پیشرفته*، تهران: نشر علم.
- غنی نژاد. سخنرانی تاریخ اقتصاد شکل‌گیری مکتب اتریش.
- د یونگ لگه. (۱۳۹۰)، *فرهنگ و اقتصاد*، ترجمه: سیهل سمی؛ زهره حسین زادگان، تهران: نشر ققنوس.
- پیرو. مینی. (۱۳۷۵)، *فلسفه و اقتصاد*، ترجمه: مرتضی نصرت و حسین راغفر، نشر علمی، فرهنگ.
- تاور روث. (۱۳۹۳)، *اقتصاد فرهنگی*، ترجمه: علی‌اکبر فرهنگی، نشر دانژه.
- بابایی طلائی، محمد باقر و همکاران. (۱۳۹۴)، *مدیریت و کارآفرینی در ارزش‌های اسلامی*، مشهد: پویا اندیش.
- فرهادی مرتضی. (۱۳۹۳)، مقاله صنعت بر فراز سنت یا در برابر آن، *مجله دانش‌های بومی ایران*، شماره ۱، تهران.
- جهانیان ناصر. (۱۳۷۹)، *فردگرایی و نظام سرمایه‌ای، فصلنامه کتاب نقد*، شماره ۱۱.
- حسینی، سیدرضا. (۱۳۷۸)، *نقدی بر دیدگاه سرمایه‌داری درباره انسان اقتصادی، فصلنامه کتاب نقد*، شماره ۱۱.
- موسویان سیدعباس. «آثار اقتصادی جایگزینی نظام مشارکت به جای نظام بهره»، *فصلنامه تخصصی اقتصاد اسلامی*، سال دوم، شماره پنج.
- ابادزی، یوسف. (۱۳۹۲)، *بنیادگرایی بازار، مهرنامه*، شماره ۳۱.

کارآفرینی فتوتی؛ جستاری پدیدارشناسانه در ... ۱۶۵

- صادقی، حسین. (۱۳۷۴)، *مباحثی در اقتصاد خرد نگرش اسلامی*، ترجمه: دانشگاه تربیت مدرس، چاپ اول.
- کاتوزیان محمدعلی. (۱۳۷۴)، *ایدئولوژی و روش در اقتصاد*، ترجمه: م.قائد، چاپ سعدی چاپ اول.
- پوپر کارل. (۱۳۸۰)، *جامعه باز و دشمنان آن*، ترجمه: عزت الله فولادوند، تهران: شرکت سهامی انتشارات خوارزمی.
- شارل ژید و شارل ژیت. (۱۳۷۰)، *تاریخ عقاید اقتصادی*، ترجمه: کریم سنجابی، تهران: چاپ سوم.
- لاژوژی ر.ک ژوزف. (۱۳۶۷)، *مکتب‌های اقتصادی*، ترجمه: جهانگیر افکاری، سازمان انتشارات انقلاب اسلامی، چاپ اول.
- رایبسون چون. (۱۳۵۸)، *فلسفه اقتصادی*، ترجمه: بایزید مردوخی، شرکت سهامی کتاب‌های جیبی، چاپ دوم.
- کاتوزیان، محمدعلی. *آدام اسمیت و ثروت ملل*، چاپ اول.
- قدیری اصل، باقر. *سیر اندیشه اقتصادی*، دانشگاه تهران: چاپ هشتم.
- مشرف جوادی، محمدحسن. *نگرشی بر الگوی مصرف در جوامع اسلامی، پایان نامه*، دانشگاه تربیت مدرس.
- تفضلی فریدون. (۱۳۵۶)، *تاریخ عقاید اقتصادی*، انتشارات دانشگاه ملی ایران.
- مطهری مرتضی. *انسان و ایمان*، انتشارات صدرا.
- حسینی سیدرضا. (۱۳۷۸)، *نقدی بر دیدگاه سرمایه داری درباره انسان اقتصادی*، *فصلنامه کتاب نقد*، شماره ۱۱.
- مطهری مرتضی. *ربا، بانک، بیمه*.
- صدر، سید کاظم. *اقتصاد صدر اسلام*.
- صدر، سید محمدباقر. *اقتصاد ما*، جلد دوم.

- هدایتی سید علی اصغر. *مجموعه مقالات سمینار اقتصاد اسلامی*، جلد ۳.
- موسویان سیدعباس. آثار اقتصادی جایگزینی نظام مشارکت به جای نظام بهره، *فصلنامه تخصصی اقتصاد اسلامی*، سال دوم، شماره ۵.
- مسعود خان. *مطالعات نظری در بانکداری اسلامی*.
- توتونچیان ایرج. *مجموعه مقالات چهارمین سمینار بانکداری اسلام*.
- موسویان سید عباس. (۱۳۷۶)، پس انداز و سرمایه‌گذاری در اقتصاد اسلامی، *پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی*.
- توتونچیان ایرج. *پول و بانکداری اسلامی*.
- استونز، راب. (۱۳۸۳)، *متفکران بزرگ جامعه شناسی*، ترجمه: مهرداد میر دامادی، تهران: نشر مرکز.
- کیویستو، پیتر. (۱۳۷۸)، *اندیشه‌های بنیادی در جامعه شناسی*، ترجمه: منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
- نراقی، احسان. (۱۳۸۵)، *علوم اجتماعی و سیر تکوین آن*، تهران: نشر فرزاد روز.
- مرادی محمدعلی. *بنیان‌های فلسفی اقتصاد فرهنگی*.
- موریتا آکیو. (۱۳۹۲)، *ساخت ژاپن مدیریت و موفقیت*، ترجمه: یوسف نراقی، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- گریفین مایکل. (۱۳۸۸)، *راز گل محمدی*، ترجمه: لیلا کافی، بخارا، شماره ۷۲-۷۳.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۱)، *نسبت دین و دنیا بررسی و نقد نظریه سکولاریسم*، قم: مرکز نشر اسرا.
- فرهادی مرتضی. (۱۳۹۰)، کار در فتوت نامه‌ها (مرام نامه‌های صنفی - طریقتی خود انگیخته و خود پذیرفته پیشه وران ایرانی، *فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، ش ۸.

کارآفرینی فتوتی؛ جستاری پدیدارشناسانه در ... ۱۶۷

با سپاس ویژه از الطاف و راهنمایی‌های بی دریغ استاد ارجمندمان دکتر مرتضی فرهادی و استاد متقدم فلسفه‌ام دکتر علی اصغر مصلح، همچنین قدردانی از اساتید گرانقدر آقایان: دکتر قنبر محمدی الیاسی، دکتر حسام زندحسامی، دکتر کمال سخدری، دکتر علی داوری، دکتر علی بدیع زاده، دکتر مرتضی رضایی زاده، دکتر سید احمد مرتضوی و دکتر مرتضی موسی خانی، خانم دکتر پوران‌دخت نیرومند و نیز برادران فرهیخته: امیر هوشنگ کرمی و سید حامد حیدری.